

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک تر از سیاهی چشم به سفیدی اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

مجموعه
پیش‌نویس گزارش بحث

مدل تنظیم
سیاست‌های کلان فرهنگی

گروه پژوهشی، کارشناسی فرهنگی

خلاصه گزارش بحث
مدل تنظیم سیاستهای کلان فرهنگی

جلسه ۱

تاریخ جلسه: ۷۶/۱۰/۱۹

حجة الاسلام والمسلمین حسینی
تنظیم از: علیرضا پیروزمند

شاخصه فرهنگ در فرد و جامعه

مقدمه

یکی از محورهای مهم پژوهش برای تعیین سیاستهای کلی نظام مقدس جمهوری اسلامی، تنظیم «نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه» است، تا بدین وسیله موضوعات جامعه در سه بخش سیاست، فرهنگ، اقتصاد طبقه‌بندی گشته و مشخص شود که سیاستهای هر بخش چه ربطی به سیاستهای سایر بخشها دارد.

این محور پژوهش (تنظیم نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه) در سه بخش و تحت سه عنوان «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» دنبال می‌شود که مجموعه حاضر اولین بحث از نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه در بخش فرهنگ می‌باشد.

قبل از وارد شدن به متن بحث ذکر چند نکته مقدماتی ضروری می‌نماید:

اولاً: سیاست، فرهنگ، اقتصاد ابعاد اصلی جامعه را تشکیل داده و خصوصیت جاری در کل نظام جامعه هستند یعنی هر موضوع اجتماعی لزوماً دارای سه جنبه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی است. مثلاً اگر عدالت اجتماعی به معنای عدالت در تقسیم درآمدهای جامعه باشد (چنانچه در دیدگاه رایج چنین است)، عدالت در تولید، عدالت در توزیع و عدالت در مصرف سه بخش درونی آن هستند و این سه، سه بعد سیاسی، فرهنگی اقتصادی برای عدالت اجتماعی (به معنای فوق) می‌باشند. در عدالت اجتماعی، عدالت در تولید منزلت سیاسی عدالت در توزیع منزلت فرهنگی عدالت در مصرف منزلت اقتصادی دارد. حتی در بخش تولید نیز مفهوم صرفه‌جویی در مقیاس تولید در منزلت فرهنگ در امر تولید نشسته است.

بنابراین دیدگاه نمی توان موضوعاتی را کاملاً سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی دانست بدون اینکه دو بعد دیگر در آن حضور داشته باشند و همواره باید در تقسیمات درونی هر موضوع، منزلت سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی آنرا شناخت.

ثانیاً: بررسی نظام شاخصه های ارزیابی جامعه همواره در یکی از سه سطح «خرد، کلان، توسعه» انجام می شود.

در سطح خرد، شاخصه ها و موضوعات به صورت جدا و مستقل از هم ملاحظه می گردند.

در سطح کلان، شاخصه و موضوعات به هم نسبت یافته و ساختار آنها موضوع ارزیابی قرار می گیرد.

در سطح توسعه، شاخصه ها و موضوعات بر محور جهت تکاملی جامعه ارزیابی می گردند و قدرت کنترل جهت حرکت جامعه در این سطح پیدا می شود.

بنابراین در بررسی نظام شاخصه های فرهنگی ابتدا باید سطح بررسی را مشخص نمود و از هر سطح بررسی، انتظارات مربوط به همان سطح را داشت.

علاوه بر این با توجه به مقدمه دوم روشن شد که حضور سه بعد سیاست، فرهنگ، اقتصاد در همه موضوعات (که در مقدمه اول ذکر شد) به معنای عدم امکان تفکیک موضوعات سیاسی فرهنگی اقتصادی جامعه نیست، بلکه می توان موضوعات را بر حسب اینکه وجهه اصلی آنها سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی است تفکیک نمود. البته باید توجه داشت که این تفکیک به معنای تنزل دادن سطح بررسی در سطح خرد است که قدرت تحلیل را از کارشناس سلب می کند و اگر کارشناس بخواهد صرفاً با توجه به این شاخصه ها نسبت به وضعیت سیاسی فرهنگی یا اقتصادی جامعه نظر دهد به اشتباه خواهد افتاد. مثل این می ماند که کارشناس صرفاً با توجه به افزایش تعداد مدارس، دانشگاهها، سینماها، نشریات و امثال آن نسبت به وضعیت فرهنگی جامعه قضاوت کند بدون عنایت به اینکه با توجه به تخصیص انجام شده در بخشهای مختلف جامعه، ابزارهای فرهنگی جامعه باید از چه میزان رشد برخوردار می شدند، چه بسا این مقدار رشد کم بوده باشد یا برعکس رشد پیش از اندازه داشته و مانع رشد سایر بخشها

گشته است. و این قدرت تحلیلی است که در سطح کلان و توسعه میسر خواهد بود نه در سطح خرد.

۱ - «سنجش، حافظه و هنر» سه شاخصه فرهنگ در فرد

قبل از بیان شاخصه‌های فرهنگی در فرد باید توجه داشت که «قدرت سنجش» در فرد و جامعه شاخصه اصلی فرهنگ (در قبال سیاست و اقتصاد) به شمار می‌رود. (چنانچه شدت یا میل در سیاست و نسبت تأثیر عینی در اقتصاد شاخصه اصلی آن دو بخش هستند.) به همین دلیل کلیه ابزارهایی که به هر شکل زمینه توسعه قدرت سنجش فرد یا جامعه را فراهم می‌کنند ابزارهای فرهنگی هستند، ابزارهایی همچون کتاب، روزنامه، فیلم و امثال آن.

«سنجش، حافظه و هنر» سه شاخصه فرهنگ در فرد هستند، «سنجش» یعنی قدرت تطرق احتمالات و ظرفیت فهم فرد، «حافظه» یعنی مخزنی که اطلاعات را در خود ذخیره می‌کند و دائم در حال توسعه است و «هنر» یعنی کیفیت ارتباطی که برای القاء آنچه حاصل تلاش هوش و حافظه است به کار گرفته می‌شود.

به این ترتیب در میان این سه شاخصه سنجش در منزلت سیاست، حافظه در منزلت فرهنگ و هنر در منزلت اقتصاد است (هرچند هنر نیز درون خود دارای منزلت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی است)

۲ - «حجت تکامل، ساختار تکامل، روابط جزئی اجتماعی» سه شاخصه فرهنگ در جامعه
قبل از بیان شاخصه‌ی فرهنگی در جامعه ذکر این نکته مفید است که اصولاً در فرهنگ «کیفیت ارتباط» مشخص می‌شود اما طرف این ارتباط ممکن است «جهان»، «انسانها» یا «اشیاء» باشند. کیفیت ارتباط انسان با جهان، «جهانبینی» او را معین می‌سازد کیفیت ارتباط انسان با سایر انسانها، «خواستها»، نیازمندها یا ارزشهای او را معین می‌کند و کیفیت ارتباط او با اشیاء «موضع‌گیری» او را معین می‌سازد. بعد از مقدمه به توضیح سه شاخصه فوق می‌پردازیم:

- جهت تکامل بیانگر حرکت از مبدأ به سمت مقصد در جامعه می‌باشد.

- ساختار تکامل بیانگر نظام روابط یا وحدت و کثرتی است که حرکت جامعه را به

سمت مقصد ممکن می‌سازد.

- روابط جزئی روابط نظام نیافته‌ای است که یک ارتباط ساده اجتماعی را بیان می‌دارد. مثلاً دزدیدن عینک کارفرما توسط کارگر یک ارتباط جزئی اجتماعی است. این نوع ارتباط در ساختار روابط حقوقی جامعه قابل توییح بوده و آن ساختار اجتماعی است که مجرم بودن یا نبودن کارگر را معلوم می‌سازد (چه بسا در یک ساختار اجتماعی به دلیل اجحافی که کارفرما در تعیین میزان دستمزد به کارگر نموده است کارفرما به جای کارگر مجرم بدانند) و بالاخره جهت‌گیری ساختار اجتماعی که چنین رفتار کارگر در آن جرم است از موضع وحدت قابل مطالعه است..

طبیعی است که جهت بر ساختار و ساختار بر روابط جزئی حاکمیت دارد، مثلاً جهت‌گیری که در جامعه پذیرفته شده است بر مدل تخصیص، درآمد، اطلاع و قدرت حاکمیت داشته و این ساختار به تعیین تعداد و سطح معاملات تعداد روزنامه‌ها، کتب نشریات منتشر یافته و مطالعه شده یا تعداد مدارس مساجد، سینماها حاکمیت دارد.

۳- تقووم فرد و جامعه در شکل‌گیری فرهنگ

در بخش فرهنگ، تکامل «جهت، ساختار و روابط» در جامعه در خدمت ارتقاء «هوشمندی» فرد و جامعه می‌باشد. هوشمندی بیانگر قدرت سنجش است که هم در فرد وجود دارد و هم در جامعه و این هوشمندی بر حافظه تقدم داشته و با ایجاد حساسیتهای جدید و روابط جدید توسعه محفوظات را رهبری می‌کند.

«والسلام»

خلاصه گزارش بحث
مدل تنظیم سیاستهای کلان فرهنگی

جلسه ۲

تاریخ جلسه: ۷۶/۱۱/۱۱

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: علیرضا پیروزمند

تقسیمات موضوع و فعل در فرهنگ

مقدمه

در جلسه قبل پیرامون شاخصه فرهنگ در فرد و جامعه صحبت شد و هوش، حافظه و هنر به عنوان شاخصه تولید آگاهی در فرد به عنوان شاخصه فرهنگ در جامعه مطرح گردید. پس از آن این سلسله مباحث موقتاً تعطیل گشته و پیش نویس در مورد نظام عناوین سیاستهای کلان فرهنگی تنظیم گردید و با اتمام آن روند بحث گذشته دنبال گردید.

در این جلسه تعریف فرهنگ و تقسیمات اصلی «موضوع و فعل» در فرهنگ اجمالاً مطرح گردید. شایان ذکر است که مقصد نهایی این سلسله مباحث ارائه سیاستهای اجرایی در مورد نظام موضوعات فرهنگی است و ارائه سیاستهای فرهنگی بدون توجه به نظام «موضوعات، فعالیتها و اهداف فرهنگی» ممکن نیست. به همین دلیل پس از تعریف فرهنگ، مباحث با بیان تقسیمات اصلی موضوع و فعل فرهنگی آغاز گردیده است.

۱- تعریف شدن فرهنگ به پذیرش اجتماعی

همواره پذیرش اجتماعی معرف فرهنگ می باشد و پذیرش اجتماعی عبارت است از آنچه عموم مردم پذیرفته اند اعم از اینکه موضوع مورد پذیرش روحی باشد یا ذهنی یا عینی. تفاهم اجتماعی زیربنای پذیرش اجتماعی است و تکامل تفاهم همواره با تکامل ادبیات (به عنوان ابزار ارتباط فکری) توأم است.

البته باید توجه داشت که در توان فرهنگی جامعه، «قدرت سنجش» اصل است، چرا که سنجش تنها یک وصف فردی نیست و قدرت سنجش جامعه نیز به میزان تطرق احتمالات در

آن جامعه بستگی دارد. منتهی در تعریف فرهنگ نباید قدرت فرهنگی را با نفس فرهنگ اشتباه گرفت. فرهنگ به پذیرش تعریف می شود و قدرت فرهنگی به قدرت سنجش جامعه وابسته است.

۲- «گمانه، گزینش، تناسب» تقسیمات اصلی فعل فرهنگی

گمانه یعنی احتمال؛ وظیفه احتمال برقراری نسبت بین موضوعاتی است که قبل از آن نسبت بین آنها مورد توجه نبوده است. به همین دلیل، «احتمال»، اولین فعل فرهنگی است و بدون آن فعالیت فرهنگی (یعنی فعالیتی که به پذیرشی جدید بیانجامد) آغاز می گردد.

«گزینش» یعنی برگزیدن برخی احتمالات با توجه به اطلاعات عینی و ارتکازات گذشته در این رابطه.

«تناسب»، یعنی تعیین نسبت حکمیه، به عبارت دیگر بر سه احتمالی قابل تفاهم به جمع بندی رسیدن و مقنن شدن «گمانه، گزینش، تناسب» وسیله تفاهم و پذیرش اجتماعی است. اگر بتوان شرایط یا زمینه ای را فراهم نمود که در جامعه گمانه، گزینش، تناسب نسبت به موضوع واحد کمترین اختلاف را داشته باشد بیشترین زمینه تفاهم فراهم خواهد آمد. البته این حرف بدان معنا نیست که باید به سمتی رفت که همه یک گونه بفهمند چرا که منطبق حاکم بر گمانه، گزینش، و تناسب قابل تکامل است و آنکه منطبق برتر را در اختیار داشته باشد صاحب نوآوری در جامعه بوده و بیشترین تأثیر را در جهت دهی و پذیرش اجتماعی بر عهده دارد. پس گمانه، گزینش، تناسب مولد ادبیات و ادبیات زمینه ساز تفاهم و تفاهم زیربنای پذیرش یا فرهنگ است. اصل بودن گمانه، گزینش، تناسب در تفاهم و پذیرش مؤید این نکته نیز هست که ابزار تفاهم تنها در استدلال نظری خلاصه نمی گردد و بلکه از طریق فیلم یا هر ابزار هنری دیگر می توان نظام موضوعاتی را در مقابل بیننده یا خواننده قرار داد که گمانه، گزینش و تناسب خاصی را در ذهن مخاطب خود القاء کند و زمینه ای را فراهم نماید که خود مخاطب به طور طبیعی در نتیجه ای که طراح برنامه می خواهد دست یابد.

در جای خود برای هر یک از گمانه، گزینش، تناسب باید جدول جداگانه ای در نظر گرفت که این جداول اهمیت بسیار زیادی در پی ریزی فعالیت فرهنگی دارد چرا که این جداول در حقیقت

«منطق عمل اجتماعی» قلمداد می‌گردند.

۳- «فرهنگ گرایش، بینش، دانش» تقسیمات اصلی موضوع فرهنگی

فعالیت فرهنگی لزوماً دارای موضوعی است و موضوع آن در شاملترین سطح، «گرایش، بینش و دانش» است.

- گرایش اجتماعی: پایگاه تکامل همبستگی تمایلات اجتماعی است.

- بینش اجتماعی: پایگاه تکامل تفاهم اجتماعی است.

- دانش اجتماعی: پایگاه تکامل تعادل اجتماعی است.

آنچه تقسیمات فرهنگ را تشکیل می‌دهد، نفس گرایش یا دانش نیست بلکه فرهنگ گرایش، بینش و دانش است، یعنی تحلیلی که نسبت به اخلاق یا کارآمدی جامعه انجام می‌پذیرد، زیربنای تحلیل همراه نظام فلسفه جامعه است. «نظام فلسفی» مورد پذیرش جامعه معجری جریان اختیار و حالات در عمل است. اگر حالات روحی معجری متناسب خودش را پیدا نکند در عمل جریان پیدا نمی‌کند. کار فلسفه تحلیل می‌باشد هم تحلیل نظری نسبت به ارزش و هم نسبت به دانش.

البته بین «فرهنگ گرایش، فرهنگ بینش و فرهنگ دانش» با فرهنگ دینی، فرهنگ علمی، فرهنگ اجرایی، می‌توان تناظر برقرار کرد. یعنی فرهنگ گرایش با فرهنگ دینی، فرهنگ بینش با فرهنگ علمی و فرهنگ دانش با فرهنگ علمی متناظر است.

«والسلام»

خلاصه گزارش بحث

مدل تنظیم سیاستهای کلان فرهنگی

جلسه ۳

تاریخ جلسه: ۷۶/۱۱/۱۵

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: علیرضا پیروزمند

بررسی تعریف و تقسیمات فرهنگ گرایش و فرهنگ بینش

مقدمه

در بحث گذشته بحث پیرامون تعریف و تقسیمات فرهنگ دنبال شد و فرهنگ به پذیرش اجتماعی تعریف شد و در بخش تقسیمات، تقسیم افعال فرهنگی از موضوعات فرهنگی جدا گردید. «گمانه، گزینش، پردازش» به عنوان افعال اصلی فرهنگی و فرهنگ «گرایش، بینش، دانش» به عنوان موضوعات اصلی فرهنگی معرفی گردید. اینک به توضیح بیشتر فرهنگ گرایش و بینش پرداخته و تقسیمات اصلی داخل هر یک را بیان می‌داریم. سپس تناظر فرهنگ گرایش با فرهنگ دینی بررسی می‌گردد.

۱- تعریف فرهنگ گرایش و بررسی تقسیمات آن

۱/۱- تعریف فرهنگ گرایش به فرهنگ موضعگیری

فرهنگ گرایش اولین و مهمترین مرحله شکل‌گیری فرهنگ است چرا که در آن جهت‌گیری فرهنگ تعیین می‌شود. همانگونه که در فرد وجه‌الطلب یا اختیار فرد تعیین‌کننده جهت‌گیری او بوده در جامعه نیز اختیار پذیرفته شده اجتماعی اصل در جهت‌گیری فرهنگی جامعه است.

به همین دلیل که فرهنگ اختیار به دنبال آن نظام ارزشی جامعه در فرهنگ گرایش به تفاهم و پذیرش می‌رسد صحیح است که فرهنگ گرایش را مترادف با فرهنگ موضعگیری

بدانیم چون هم نمودار مهمترین موضعگیری جامعه است و هم معیار تفکیک خوبی با بدی سایر موضعگیریها می باشد.

به عبارت دیگر اختیار اجتماعی مبدأ قدرت جامعه و اساس موضعگیریهای اوست و گرایش افراد به میزان همراهی آنها با این جهتگیری حضوری مثبت قلمداد شده و تأیید می گردد و به میزان عدم همراهی آنها با این جهتگیری حضوری منفی قلمداد گشته و با آن مقابله می شود و بدین ترتیب ساختار جهت، یا ساختار تمایلات جامعه مشخص شده و اساس موضعگیری اجتماعی می شود، یعنی جامعه بر اساس گرایش غالب خود نسبت به افراد موضع می گیرد و بر شکلگیری انگیزش آنها مؤثر است.

بدین ترتیب فرهنگ گرایش معیار تفکیک خوبی و بدی و معیار ارزشگذاری جامعه است به خلاف مکاتب دیگر که سرمایه یا کرامت انسان را معیار ارزشگذاری می دانند. ما خوبیها و بدیها را معیار ارزشگذاری جامعه می دانیم که فرهنگ گرایش اساس شکلگیری آن در جامعه است.

۱/۲ - تقسیم فرهنگ گرایش به «فرهنگ ارزش، دستور، حقوق»

در فرهنگ گرایش پس از پذیرش جهتگیری خاص در جامعه این جهتگیری ابتدا معیار تعیین نظام ارزش جامعه می گردد یعنی خوبیها و بدیها به تفاهم اجتماعی گذارده می شود. از همینجا مشخص می گردد که اخلاق پذیرفته شده در جامعه زیر مجموعه فرهنگ است نه سیاست.

نظام ارزش اساس تعیین «نظام دستوری» و نظام دستوری اساس تعیین «نظام حقوقی» هستند. یعنی بر اساس شایستها و ناشایستهایی که در نظام ارزشی به تفاهم رسیده است، باید و نبایدها معلوم می گردد و این باید و نبایدها برای هر فرد یا نهاد اجتماعی حقوقی تعیین می نمایند که بر اساس آن با متخلف برخورد شده و بر علیه آن موضعگیری می شود. لذا صحیح است است که بگوئیم فرهنگ ارزش، دستور، حقوق، سازنده فرهنگ موضعگیری جامعه است.

۲- تعریف فرهنگ بینش و تقسیمات آن

۲/۱- تعریف فرهنگ بینش به «فرهنگ سنجش»

در فرهنگ بینش امکان هماهنگی و اصلاح موضعگیری‌ها فراهم می‌گردد چرا که در فرهنگ بینش ابزار سنجش یا وسیله تفاهم بدست می‌آید.

قدرت تفاهم حاصل قدرت هماهنگ‌سازی سنجش‌هاست و هماهنگی سنجش‌ها به توانایی منطقی‌ها، وابسته است. منطوق در حقیقت حاصل سنجش نفس سنجش است. یعنی اگر خود چگونه سنجیدن موضوع سنجش قرارگیرد حاصلی غیر «منطق» نخواهد داشت.

آنگاه که سنجش‌های فردی با هم برخورد نموده و در یکدیگر حضور می‌یابند سنجش اجتماعی پدید می‌آید و هماهنگی سنجش‌های فردی و اجتماعی در فرهنگ بینش تحقق می‌یابد.

۲/۲- تقسیم فرهنگ بینش به «گمانه، گزینش، تناسب»

تعریف هر یک از «گمانه، گزینش، تناسب» در جلسه قبل ذکر شد تنها این نکته را اضافه می‌کنیم که «گمانه، گزینش، پردازش» سه مرحله سنجش بوده و حاصل منطوق است، یعنی هم فرد در گمانه زدن یا گزینش کردن یا پردازش نمودن بر اساس منطقی عمل می‌کند و هم به وسیله منطوق زمینه‌ای فراهم می‌شود تا دیگران (که می‌خواهد با آنها تفاهم برقرار شود) نیز اینگونه گمانه بزنند یا گزینش و پردازش نمایند.

۳- تناظر فرهنگ گرایش با فرهنگ دینی (مقایسه «ارزش، توصیف، تکلیف» با «ارزش، دستور، حقوق»)

در جلسه قبل تناظر فرهنگ گرایش با فرهنگ دینی مطرح گردید و با مشخص شدن تقسیمات فرهنگ گرایش (یعنی ارزش، دستور، حقوق) این ارتباط بیشتر واضح گردید. منتهی آنچه جای سؤال دارد قرار نداشتن «توصیف» یا معارف و اعتقادات در تقسیم «ارزش، دستور، حقوق» است.

اگر بخواهیم فرهنگ گرایش را به جای فرهنگ دینی قرار دهیم می‌بایست تقسیمات آن تمامی معارف و احکام دینی را در برگیرد در حالی که ظاهراً در تقسیم «ارزش، دستور، حقوق» «توصیف» قرار ندارد. از طرف دیگر آنچه باعث ضرورت وجود وصف «حقوق» در تقسیمات گرایش است این می‌باشد که فرهنگ گرایش، فرهنگ موضعگیری است و باید به موضعگیری ختم شود. برای حل این مشکل سه احتمال مطرح شد که بحث پیرامون آن نهایی نگردید.

احتمال ۱: توصیف زیربخش ارزش باشد. یعنی در سایه تبشیر و تنذیر است که اعتقادات پیدا می‌شود.

احتمال ۲: «حقوق» را با «دستور» یکی بدانیم یعنی مجموعه باید و نبایدها همان نظام حقوقی جامعه را تشکیل می‌دهد و ربط بایدها و نبایدها با موضعگیری اجتماعی لازم نیست که در فرهنگ گرایش تمام شود و موضعگیری، می‌تواند در فرهنگ دانش مطرح گردد.

احتمال ۳: اصولاً «توصیف، تکلیف، ارزش» به عنوان تقسیمات «ارزش، دستور، حقوق» مطرح باشد.

ادامه بحث در این رابطه به آینده موکول گردید.

«والسلام»

خلاصه گزارش بحث

مدل تنظیم سیاست‌های کلان فرهنگی

جلسه ۴

تاریخ جلسه: ۷۶/۱۱/۱۸

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: علیرضا پیروزمند

شکلهای متفاوت استفاده از مفاهیم

تقسیمات فرهنگ با استفاده از جدول اوصاف جامعه

۱ - شکلهای متفاوت استفاده از مفاهیم

۲ - تقسیمات فرهنگ با استفاده از جدول اوصاف جامعه

مقدمه

در مباحث گذشته اجمالی از تعریف فرهنگ و تقسیمات فرهنگ ذکر شد و پس از تقسیم فرهنگ به فرهنگ بینش، فرهنگ دانش و فرهنگ ارزش به بیان تقسیمات داخلی هر یک از این سه پرداختیم. در این بحث نیز همان بحث دنبال می‌شود، منتهی در ابتدای جلسه به بیان قاعده‌ای در استفاده از مفاهیم پرداخته شد و در ادامه سعی بر این بود تا شیوه به دست آمدن نظام عناوین فرهنگی مورد مذاکره قرار گیرد.

۱ - شکلهای متفاوت استفاده از مفاهیم

۱/۱ - مطلق فرض کردن مفاهیم

در سیر رسیدن به مفاهیم منطقی مورد استفاده در جدول تعریف و معادله سه دسته مفاهیم مورد احتیاج است. اولین دسته از مفاهیم، مفاهیم انتزاعی هستند. در مفاهیم انتزاعی، مفاهیم مستقل و مطلق فرض می‌شوند. «مستقل» هستند یعنی هیچ وابستگی به سایر مفاهیم ندارند و «مطلق» هستند یعنی تغییر مواضع به کارگیری آن مفهوم تغییری در معنای آن بوجود نمی‌آورد و آن مفهوم در همه جا یک معنای ثابت و غیر قابل تغییر دارد.

۱/۲ - نسبی دانستن مفاهیم

تفاوت مفاهیم نسبی با مفاهیم مطلق در این است که مفاهیم نسبی دارای مراتب هستند. نسبی در مقابل مطلق است، نسبی بودن این امکان را پدید می آورد که یک مفهوم دارای معانی متعددی در مواضع مختلف باشد.

۱/۳ - متقوم دانستن مفاهیم

در مرحله تقوم علاوه بر این که مفاهیم مطلق نبوده و دارای مراتب هستند، به یکدیگر نیز منسوب می گردند و این منسوب بودن زمینه حضور هر مفهوم را در سایر مفاهیم نیز فراهم می آورد. در این مرحله می بایست قدرت محاسبه میزان حضور هر مفهوم در سایر مفاهیم پدید آید.

۲ - بیان تقسیمات «فعل، موضوع فعل و محصول» در فرهنگ (بینش)

قبل از بیان تقسیمات ۹ گانه فرهنگ بینش ذکر این نکته لازم است که در کلیه تقسیمات فرهنگی و غیر فرهنگی در رده ۹ تائی تقسیم، سه وصف مربوطه به فعل سه وصف مربوط به موضوع فعل و سه وصف مربوطه به محصول می باشد.

قاعده شاملتر بر «فعل، موضوع فعل و محصول» این است که اصولاً بدست آمدن واژه های جدول آنگاه هماهنگ صورت می پذیرد که کلیه واژه ها به سه مفهوم و آن سه مفهوم نیز به یک وصف جامع بازگردد.

پس از این مقدمه بیان می داریم که در جدول طبقه بندی اوصاف جامعه بخش بینش مهمترین قسمت در بیان اوصاف فرهنگی است و همانند سایر قسمتها از سه سطر تشکیل شده است که سطر اول آن اوصاف فعل، سطر دوم آن اوصاف موضوع و سطر سوم آن اوصاف محصول را بیان می دارد. پس از توجه به اینکه بینش، پایگاه تکامل هم فکری اجتماعی است، اوصافی که برای تقسیمات فرهنگ بینش مناسب به نظر می رسد به قرار زیرند:

۱ - «گمانه، گزینش، پردازش» به عنوان اوصاف فعل

۲ - «چرائی، چیستی، چگونگی» به عنوان اوصاف موضوع فعل

۳ - «هستی، فیزیک، ریاضی» به عنوان اوصاف محصول

۳- بیان سه احتمال در مورد شیوه بدست آمدن تقسیمات ۲۷ گانه فرهنگی

سه احتمال به ترتیب اولویت به قرار زیرند:

۳/۱- احتمال اول.

دو مرتبه ضرب گرایش، بینش، دانش در خودش بدین معنا که ما یک مرحله ضرب اوصافی دو قیدی همانند گرایش گرایش، بینش گرایش، دانش گرایش و ... بدست آید و با مرحله دیگر ضرب، اوصافی سه قیدی همانند گرایش گرایش گرایش و ... بدست می آید، آنگاه می بایست برای هر کدام از اوصاف عناوین ارتكازی مناسبی را یافت.

۳/۲- احتمال دوم

ضرب سه دسته اوصاف زیر در یکدیگر

- مقدورات انسانی، مقدورات ابزاری، مقدورات طبیعی ... (اوصاف محصول تقسیمات

در دانش)

- ارزش، دستور، حقوق ... (اوصاف محصول در تقسیمات گرایش)

- هستی، فیزیک، ریاضی ... (اوصاف محصول در تقسیمات بینش)

برای به دست آوردن ۲۷ اصطلاح سه قیدی مربوط به تقسیمات بینش به ترتیب ابتدا

«مقدورات انسانی، مقدورات ابزاری، مقدورات طبیعی» در «ارزش، دستور حقوق» ضرب شده

و ۹ اصطلاح دو قیدی بدست می آید.

پس این ۹ اصطلاح دو قیدی بدست آمده در سه وصف «هستی، فیزیک، ریاضی»

ضرب شده و ۲۷ اصطلاح سه قیدی بدست می آید که موصوف دومها (قید سوم) آن فرهنگی،

موصوف اول (قید دوم) آن سیاسی و وصف (قید اول) آن اقتصادی است.

۳/۳- احتمال سوم

ضرب سه دسته اوصاف زیر در یکدیگر:

- تجزیه، تحلیل، ترکیب ... (اوصاف فعل، در تقسیمات دانش)

- جهت گیری، موضع گیری، مجاهده ... (اوصاف فعل، در تقسیمات گرایش)

- گمانه، گزینش، پردازش ... (اوصاف فعل، در تقسیمات بینش)

شیوه و ترتیب ضرب اوصاف فوق به همان صورتی است که در احتمال دوم آمد.
احتمال اول بدین لحاظ که به سه وصف باز می‌گردد نه ۹ وصف قدرت هماهنگ‌کنندگی
بیشتری دارد.

۴ - رابطه اوصاف ساختار و کارایی در موضوعات فرهنگی

سنه احتمالی که در بند قبل ذکر شد پیرامون اوصاف ساختاری در عناوین فرهنگی است
اوصاف ساختاری اوصافی است منطقی که از مبنای فلسفی نظام ولایت نشأت گرفته است. اما
لازم است این اوصاف به اوصاف عینی فرهنگی ترجمه گردد و آن مجموعه اوصافی است که در
مدل تعریف در جانب کارایی قرار می‌گیرد به عبارت دیگر اوصاف طرف ساختار صورت مسئله
و اوصاف کارایی پاسخ مسئله را بیان می‌دارد لذا می‌بایست متناظر با هر وصف در جانب
ساختار وصف در جانب کارایی بدست آید.

« والسلام »

خلاصه گزارش بحث

مدل تنظیم سیاست‌های کلان فرهنگی

جلسه ۵

تاریخ جلسه: ۷۶/۱۱/۳۰

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: علیرضا پیروزمند

شیوه بدست آمدن مفاهیم «انتزاعی، ارتباطی، تقوی»

مقدمه

در ادامه بررسی نظام موضوعات فرهنگی به بیان شکل‌های متفاوت استفاده از مفاهیم رسیده و آنها را به سه دسته مفاهیم انتزاعی، نسبی و متقوم تقسیم نمودیم، سپس سعی شد تا با استفاده از عناوین جدول طبقه بندی اوصاف جامعه تقسیمات ۲۷ گانه عناوین فرهنگی بدست آید که سه احتمال در این رابطه مطرح گردید.

در این بحث نیز همین روال تعقیب می‌شود با این تفاوت که در این مرحله ما سراغ مفاهیم موجود در پیشنهاد اولیه نظام عناوین فرهنگی از قبیل فرهنگ دینی، فرهنگ علمی، فرهنگ اجرائی می‌رویم و لذا این بحث نیز دو مرحله می‌یابد:

۱ - بیان شیوه بدست آوردن مفاهیم «انتزاعی، ارتباطی، تقوی»

۲ - تطبیق روشهای فوق بر «فرهنگ دینی، فرهنگ علمی، فرهنگ اجرائی»

۱ - بیان شیوه بدست آوردن مفاهیم «انتزاعی، ارتباطی، تقوی»

۱/۱ - بدست آوردن مفاهیم انتزاعی با روش سلب و ایجاب

مفاهیم انتزاعی با روش سلب و ایجاب بدست می‌آید مثلاً جسم یا متحرک است یا متحرک نیست (جمادات) و اگر متحرک است یا متحرک با اراده است یا متحرک با اراده نیست (گیاهان که) اگر متحرک یا اراده است یا ناطق است (انسان) و یا ناطق نیست (حیوان) این روش، روش

سلب و ایجاب است که می‌توان مفاهیم فرهنگی را در بدو امر با این روش بدست آورد.

۱/۲ - به دست آوردن مفاهیم ارتباطی با اضافه نمودن تقسیمات انتزاعی به یکدیگر پس از به دست آمدن مفاهیم انتزاعی می‌توان آنها را به یکدیگر اضافه نمود. مثلاً دینی را به علمی اضافه کرد و گفت: دینی علمی یا علمی را به اجرایی اضافه نمود و گفت: علمی اجرایی. البته باید توجه داشت اضافه نمودن مفاهیم در صورتی ممکن است که نسبی بودن مفاهیم پذیرفته شده باشد. یعنی مفاهیم مطلق فرض نشود به اینکه یک مفهوم در همه جا لزوماً به یک معنا باشد، بلکه امکان این معنا وجود داشته باشد که یک مفهوم در اضافه‌های مختلف معانی متفاوت داشته باشد و مولد معانی جدیدی نیز باشد.

۱/۳ - بدست آوردن مفاهیم تقویمی با در تغییر ملاحظه نمودن مفهوم

مرحله سوم این است که مفاهیم به یکدیگر مقوم گردند، مقوم شدن مفاهیم، بدین معنا است که مفاهیم در یکدیگر حضور یابند و سهم تأثیر آنها بر هم مشخص شود. تقدم و تأخر، عوامل متغیر و میزان سهم تأثیر هر یک معلوم گردد.

ملاحظه تقویمی مفاهیم زمانی ممکن است که مفاهیم در تغییر ملاحظه شوند، یعنی مفهوم به تبع موضوع دارای نقض و کمال باشد و نقض و کمال آن مورد ملاحظه قرار گیرد. لحاظ تغییر در مفهوم نیز آنگاه میسر است که مفهوم وصفی گردد، یعنی به جای انسان بگوئیم انسانیت، به جای خود کار بگوئیم نوشت افزار. وصفی شدن عناوین برای مطالعه کنترل تغییر امری ضروری است.

۲ - تطبیق روش بدست آوردن انتزاعی و ارتباطی برای بدست آوردن تقسیمات فرهنگی

۲/۱ - بدست آوردن تقسیمات تبعی فرهنگ با تقسیم سلب و ایجاب

روش سلب و ایجاب را در موضوع فرهنگ به شکل زیر می‌توان جاری ساخت

{ یا مبدأ فرهنگ بشری نیست = دینی
یا مبدأ فرهنگ بشری است }
یا نظری است = علمی
یا نظری نیست بلکه حسی است = اجرایی

۲/۲ - بدست آوردن تقسیمات فرعی فرهنگ با اضافه نمودن مفاهیم انتزاعی

در مرحله اضافه، دینی، علمی، اجرایی در خودش ضرب می شود و جدول زیر را

بدست می دهد.

اجرایی	علمی	دینی	
اجرایی دینی	علمی دینی	دینی دینی	دینی
اجرایی علمی	علمی علمی	دینی علمی	علمی
اجرایی اجرایی	علمی اجرایی	دینی اجرایی	اجرایی

از مجموعه ۹ عنوان ۲ قیدی فوق، سه عنوان دینی دینی، دینی علمی و دینی اجرایی برای نمونه معنا گردید.

- دینی دینی: در تعریف دینی دینی، دین باید موضوعاً ملاحظه گردد، قبل از آن که پای عقل هم به میان آمده و واسطه در تصرف شده باشد. لذا دینی دینی به معنای اصول اعتقادات احکام دستوری و احکام ارزشی یا اخلاقیات می باشد.

- دینی علمی: در اینجا تعقل به دینی موصوف شده است، یعنی عقلی که در خدمت دین قرار گرفته لذا می توان دینی علمی را به روش استنباط تطبیق داد.

- دینی اجرایی: در اینجا اجرا به دینی موصوف شده است لذا می توان دینی اجرایی را به فتوا تطبیق داد البته اگر دینی اجرایی اجرایی بود به عینیت تطبیق داده می شد.

۲/۳ - بدست آوردن تقسیمات اصلی فرهنگ با مشغول نمودن مفاهیم اضافی

در مرحله سوم باید به تقسیماتی از فرهنگ رسید که سهم تأثیر آنها بر هم و بر کل مشخص باشد و این در صورتی است که مفاهیم وصفی ملاحظه شده و بر اساس روش تعریف

نظام بیابند.

در خصوص این مرحله تطبیق خاصی صورت نگرفت و تنها به ذکر این نکته اکتفا شد که برای بدست آمدن مفاهیم تقومی در فرهنگ باید تغییرات «فعل، موضوع و هدف» در فرهنگ دینی، علمی و اجرایی ملاحظه گردد.

۳- بازگرداندن تقسیمات اصلی در پیشنهاد اولیه نظام عناوین فرهنگی به سه وصف «هدف، موضوع، فعل»

در پیشنهاد اولیه نظام عناوین فرهنگی که به مجمع تحویل گردید ۹ عنوان اصلی وجود داشت.

- فرهنگ دینی، فرهنگ علمی، فرهنگی اجرایی.

- پژوهش، آموزش، محصول

- نظام اولویتها، روشها و ابزارها، سازماندهی

در یک بررسی ابتدایی هر یک از این سه به ترتیب با هدف، موضوع، فعالیت تطبیق گردیدند.

سه وصف آخر هر سه قابل توصیف به فعالیت هستند بدین ترتیب:

- نظام اولویت فعالیتهای فرهنگی، روشها و ابزارهای فعالیتهای فرهنگی، سازماندهی

فعالتهای فرهنگی

- پژوهش، آموزش، محصول، موضوعات فعالیت فرهنگی هستند.

- فرهنگ دینی، فرهنگ علمی، فرهنگ اجرایی اگر از پایین به بالا ملاحظه گردند برای زیر

مجموعه‌های خود هدف محسوب می‌شوند.

والسلام

خلاصه گزارش بحث

مدل تنظیم سیاست‌های کلان فرهنگی

جلسه ۶

تاریخ جلسه: ۷۶/۱۱/۲۹

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: علیرضا پیروزمند

بیان نکاتی پیرامون مفاهیم «انتزاعی، نسبی، اضافی، تقومی»

مقدمه

در مباحث قبل به دنبال دستیابی به نظام موضوعات فرهنگی، احتمالات مختلفی مطرح گردید. سپس با بیان سه دسته مفاهیم انتزاعی، اضافی و تقومی سعی در بیان قاعده‌ای برای بدست آمدن عناوین فرهنگی به عمل آمده و بالاخره در بحث گذشته سعی شد تا قاعده مطرح شده در مورد فرهنگ دینی، فرهنگ علمی و فرهنگ اجرایی در عمل به کار رود. در این جلسه مجدداً به بحث روش به منظور تکمیل قواعد پرداخته و نکات تازه‌ای را در مورد مفاهیم انتزاعی، نسبی، اضافی و تقومی بیان می‌داریم. البته با توجه به این نکته که سه دسته مفاهیم در جلسه گذشته به چهار دسته تبدیل شده و مفاهیم نسبی که قبلاً جزء مفاهیم انتزاعی بود مستقل گردیده است.

۱- نکاتی پیرامون مفاهیم انتزاعی

سابقاً ذکر شد که در مدل تعریف دو دسته مفاهیم با ویژگی متفاوت در طرف ساختار و کارایی وجود دارند. در طرف ساختار عناوین وصف و موصوفی هستند و در طرف کارایی عناوین عینی و انتزاعی هستند. حال صحبت در این رابطه است که آیا مفاهیم عینی انتزاعی نیز همانند وصف و موصوف، دارای معنای نسبی، اضافی و تقومی هستند؟ قبل از پاسخ به سؤال فوق ذکر این نکته در مورد جدول تعریف روشنگر است که پس از پر شدن جدول تعریف به غیر از دو ستون کلان و توسعه (یا فرعی و اصلی) در طرف کارایی، بقیه منزلتها با وصف و موصوف پر می‌شوند و تنها در این دو ستون است که اوصاف انتزاعی عینی قرار می‌گیرد.

پس از این مقدمه در پاسخ به سؤال مطرح شده عرض می‌کنیم که مفاهیم انتزاعی دسته‌بندی دارند اما اضافه به یکدیگر نشده و تقوم ندارند. لذا عناوینی که در دو ستون کلان و توسعه در طرف کارایی قرار می‌گیرند مشمول همین قاعده هستند.

به وسیله آمارگیری و سپس وجه اشتراک‌گیری بین موضوعات می‌توان آنها را دسته‌بندی نمود اما این دسته‌بندی هیچگاه قدرت سرپرستی رشد و ایجاد شرایط جدید نمی‌دهد، سرپرستی رشد به وسیله تبدیل شدن موضوعات به اوصاف و حاکم ساختن منطقی برای نظام دادن به اوصاف میسر است. البته در صورتی که به وسیله اوصاف نیز کنترل تغییر صورت گیرد امکان بروز حوادث پیش‌بینی نشده یا انفعال هست اما به این ترتیب امکان آسیب‌شناسی انفعال وجود دارد.

در جدول تعریف نیز هر چند عناوین عینی به یکدیگر تقوم ندارند اما هر یک از عناوین طرف کارایی وصف متناظری در طرف ساختار دارد که از طریق آن توجیه منطقی می‌یابد و کنترل می‌گردد.

البته عدم قابلیت موضوعاتی عینی در صورتی است که به عنوان وصف ملاحظه نشوند اما اگر یک موضوع عینی به عنوان وصف ملاحظه شد مشمول قواعد وصف می‌گردد. مثلاً مداد یک موضوع عینی است اما مداد بخش آموزش به لحاظ تأثیر و کارآمدیش در بخش آموزش به صورت وصفی قابل ملاحظه است. به این ترتیب کلیه موضوعات عینی جامعه به لحاظ کارآمدی اجتماعی آنها قابلیت تبدیل شدن به وصف دارند.

۲- نکاتی پیرامون مفاهیم نسبی

قبل از آن که مفاهیم به یکدیگر اضافه گردند باید به صورت نسبی آنها را در چند سطح معنا نمود مثلاً مفهوم دین ابتدا بر اساس لغت‌نامه، سپس بر اساس دائرة المعارف و بالاخره بر اساس معنای اصطلاحی آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

آنگاه بر اساس معنای انجام گرفته برای دین معلوم می‌گردد که اضافه چه موضوعاتی به دین صحیح است مثلاً مسجد دینی، حسینیه دینی، معلم دینی.

در مرحله سوم می‌توان موضوعات دینی را بر اساس مفهوم نسبی از دین، طبقه‌بندی ساده نمود.

به این ترتیب مشخص می‌شود که همه موضوعات دینی در یک سطح نیستند و بعضی موضوعات دینی قابلیت تزاخم با برخی دیگر را ندارند مثلاً قصد قربت یا طهاره هیچگاه با نماز قابل تزاخم نیست.

۳- نکاتی پیرامون مفاهیم اضافی

عناوین به لحاظ کارآمدی اجتماعیشان قابلیت اضافه و تقویم دارند. خاصیت اضافه این است که به وسیله آن مفاهیم تقیید یا توسعه پیدا می‌کنند.

نکته جاز اهمیت در مورد مفاهیم اضافی این است که چگونه مفاهیم اضافی به عناوین عینی تطبیق داده می‌شوند مثلاً چگونه «دینی علمی» مترادف با «علم اصول» می‌گردد یا «دینی دینی» به معنای اخلاقیات، اعتقادات و احکام می‌باشد؟

پاسخ این است که ابزار گمانه در این رابطه خود جدول تعریف است؛ یعنی جدول تعریف یک مرتبه با اوصاف فلسفی برمی‌گردد و واسطه تنظیم جدول اوصاف فرهنگی قرار می‌گیرد و جدول اوصاف فرهنگی جدول تعریف دومی است که ابزار تعیین موضوعات عینی فرهنگی خواهد بود.

این مزینی است که روش تعریف بر مبنای نظام ولایت بر تعریف به روش منطق صوری دارد. منطق صوری صرفاً منطق صورت است و هیچ هدایتی نسبت به موادی که در آن قرار می‌گیرد ندارد اما منطق نظام ولایت چنانچه گفته شد از چنین توانائی برخوردار است.

- نسبت به مفاهیم تقویمی توضیح جدیدی داده نشد و تنها این نکته تکرار گردید که در تقویم، وصف در حال تغییر ملاحظه میشود و به این ترتیب موضوعات هر طبقه به یکدیگر منسوب می‌گردند.

«والسلام»

Mathematical Induction

1. Base Case: $n = 1$. $1^2 = 1$. $1 = 1$. True.

2. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

3. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

4. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

5. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

6. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

7. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

8. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

9. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

10. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

11. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

12. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

13. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

14. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

15. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

16. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

17. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

18. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

19. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

20. Inductive Step: Assume true for $n = k$. $1^2 + 2^2 + \dots + k^2 = \frac{k(k+1)(2k+1)}{6}$.

خلاصه گزارش بحث
مدل تنظیم سیاستهای کلان فرهنگی

جلسه ۷

تاریخ جلسه: ۷۶/۱۲/۰۶

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: علیرضا پیروزمند

عنوان:

۱- شیوه دستیابی به تقسیمات فرهنگ

۲- بیان حصور عقلی در تقسیم فرهنگ به «دینی، علمی، اجرایی»

مقدمه

در ادامه بررسی نظام موضوعات فرهنگی آخرین احتمال این بود که به وسیله ضرب اوصاف دینی، علمی، اجرایی و پیدا کردن تناظر عینی آنها به، تقسیمات فرهنگ دست بیاییم. در این جلسه پس از بررسی مجدد شیوه دستیابی به تقسیمات فرهنگی، قرار بر این شد که همان تقسیمات موجود در پیشنهاد اصلاحیه ملاک تقسیمات فرهنگی قرار گیرد و در صورت لزوم اصلاح گردد.

بر این اساس از مباحث مهم اثبات جامعیت تقسیم موضوعات فرهنگی به دینی، علمی، اجرایی می باشد. اما قبل از آن می بایست تعریف فرهنگ معلوم باشد و تعریف فرهنگ نیز بدون توجه به مبدأ پیدایش جامعه امکان پذیر نیست.

۱- بررسی شیوه دستیابی به تقسیمات فرهنگی

روند طبیعی در دستیابی به تقسیمات فرهنگی این است که پس از تنظیم جدول شاخصه های ارزیابی جامعه بر اساس روش تولید تعاریف کاربردی؛ شاخصه های فرهنگی موجود در جدول جامعه در یکدیگر ضرب شود.

در سطح نازلتر، اوصاف ارتکازی تری (از قبیل دینی، علمی، اجرایی) متناظر با اوصاف

اصلی فرهنگی موجود در جدول جامعه (از قبیل گرایش، بینش، دانش) تخمین زده شده و آنها نیز در یکدیگر ضرب می شوند.

در مرحله سوم عناوین عینی فرهنگی متناسب با دو دسته اوصاف قبل تخمین زده می شود. منتهی با توجه به وصفی بودن و انتزاعی نبودن طبقه بندی موضوعات فرهنگی در پیشنهاد اصلاحیه ای که قبلاً تنظیم گردیده بود برای سرعت عمل و با لحاظ محدودیتهای موجود، همان تقسیم را مبنا قرار داده و در صورت ملاحظه ابهام یا ناهماهنگی در آن بر اساس جدول اوصاف جامعه از یک سو و عناوین عینی و مرتکز فرهنگی از سوی دیگر به اصلاح آن می پردازیم.

۲ - توصیف علت پیدایش جامعه به عنوان مقدمه تعریف و تقسیمات فرهنگ

۲/۱ - ضرورت بررسی مبدأ پیدایش جامعه قبل از تعریف فرهنگ

قبل از وارد شدن به بررسی تقسیم موضوعات فرهنگی می بایست فرهنگ را تعریف نمود و فرهنگ نیز جدای از جامعه قابل تعریف نمی باشد چرا که فرهنگ یک وصف اجتماعی است. اگر فرهنگ وصف اجتماعی نباشد اصولاً از موضوع سیاستگذاری خارج است و حال آن که بررسی های جاری به منظور تعیین سیاستهای فرهنگی در زمینه های مختلف می باشد.

علاوه بر این اگر فرهنگ وصف مردم باشد و تصور شود علمی که برای فردی مجرد از جامعه پیدا می شود نیز فرهنگ آن فرد است مانع لزوم نظام روابط در تعریف فرهنگ نیست چرا که یک فرد نیز به مجموعه موضوعاتی (که ممکن است حساسیتهای درونی او یا موضوعات بیرون از وجود خود او باشند) علم دارد که یک نظام را تشکیل می دهند.

در هر حال از نقطه نظر بحث جاری اجتماعی بودن فرهنگ امر واضحی است، لذا باید برای تعریف فرهنگ به تعریف جامعه هم نظر داشت. خصوصاً اگر تقسیماتی که برای فرهنگ بیان می شود (مثل دینی، علمی، اجرایی) بر اساس مبدأ پیدایش فرهنگ باشد دقیقاً با مبدأ پیدایش جامعه وابستگی می یابد.

۲/۲ - بررسی اجمالی احتمالاتی پیرامون مبدأ پیدایش جامعه

جامعه در ساده‌ترین تعریف، محیط زندگی عده‌ای از افراد با یکدیگر است لذا بلافاصله این سؤال قابل طرح است که منشاء زندگی مشترک افراد چیست؟ احتمالات متعددی در این رابطه قابل طرح است:

احتمال ۱ - اشتیاق فطری انسان به زندگی جمعی

چنین احتمالی از نقطه نظر مباحث جاری (که بدنبال بیان سیاستهایی برای تعالی هر چه بهتر جامعه می‌باشد) محکوم به بطلان است چرا که اگر ارتباط اجتماعی فطری بود تکامل پذیر نخواهد بود و این خلاف فرض بحث جاری است.

احتمال ۲ - دفع شرور بدین معنا که انسانها برای بر حذر بودن از تهدیداتی که با آن

روبرو هستند به یکدیگر پناه می‌برند.

این احتمال نیز باعث عجین شدن نزاع با جامعه می‌گردد؛ طبیعتاً همه افراد جامعه از یک میزان امنیت جانی، مالی و ... برخوردار نمی‌باشند و همین امر منشاء اختلاف و نزاع در جامعه می‌گردد و هر فرد خواهان درجه بیشتری از امنیت است. به عبارت دیگر خود انسانها برای یکدیگر تبدیل به شر می‌گردند پس «ترس» نمی‌تواند مبدأ خوبی برای پیدایش جامعه باشد.

احتمال ۳ - طلب یا گرایش انسانها به یکدیگر بر محور یک حق، بر این اساس طلب و

امید به تعاون برای رسیدن کمال بیشتر مبدأ تشکیل جامعه است.

به هر حال آنچه بنابر تمامی احتمالات پذیرفته می‌باشد این است که فرهنگ در تمامی مراحل پیدایش و تکامل جامعه حضور دارد و مبدأ پیدایش و تکامل جامعه، مبدأ پیدایش و تکامل فرهنگ نیز هست.

۳ - بیان حصر عقلی در تقسیم «دینی، علمی، اجرایی»

اگر فرهنگ به مجموع اطلاعات مورد تئاهم و مورد پذیرش جامعه معنا شود و مبدأ پیدایش فرهنگ (علم) مبنای تقسیم آن قرار گیرد می‌توان با حصر عقلی تقسیم زیر را برای فرهنگ بیان شود.

یا مبدأ پیدایش علم بشری نیست = دینی
یا مبدأ پیدایش علم، قوهٔ سنجش بشری است }
یا موضوع علم بشری محسوس است = اجرایی
یا علم موضوع بشری محسوس نیست = علمی

البته این شبهه بوجود می‌آید که علمی، اعم است از این که موضوع آن حسی باشد یا نباشد، اما پاسخ این است که موضوعات علمی موضوعات مبتلا به در اجراست و در بردارندهٔ تحلیلی نظری است که برای ملاحظه جریان تکامل در «اجرا» لازم است. به عبارت دیگر تغییر محسوسات بدون تحلیل نظری در مورد آن امکان ندارد لذا اگر موضوع علم نیز موضوعی حسی باشد به تحلیل امر حسی می‌پردازد و به همین دلیل با اجرا متفاوت است.

شبهه دیگری که بواسطه تقسیم به سلب و ایجاب پدید می‌آید این است که تقسیم به سلب و ایجاب مبنای تقسیم را ۲ می‌کند نه ۳.

اما این شبهه نیز بدین گونه قابل رفع است که تقسیم به سلب و ایجاب تنها برای اثبات حصر و جامعیت تقسیم است اما مانع از این نیست که اقسام هم زمان با یکدیگر در جامعه حضور داشته باشند، یعنی جامعه آنگونه که می‌طلبند، می‌سنجند و آنگونه که می‌سنجد عمل می‌کند.

«والسلام»

خلاصه گزارش بحث

مدل تنظیم سیاست‌های کلان فرهنگی

جلسه ۸

تاریخ جلسه: ۷۶/۱۲/۰۹

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: مصطفی جمالی

بررسی جامعیت تقسیم «دینی، علمی، اجرایی»

با تعیین جایگاه بعضی عناوین عینی فرهنگی

مقدمه

در بررسی نظام موضوعات فرهنگی در طول جلسات، احتمالات گوناگونی مطرح شد که آخرین احتمال تقسیم فرهنگ، به «دینی علمی، اجرایی» بود، و قرار بر این شد که این تقسیم ملاک تقسیم موضوعات مرتکز عینی قرار بگیرد. در جلسه گذشته، قبل از اثبات جامعیت این تقسیم، تعریف فرهنگ و مبدا پیدایش جامعه بررسی شد.

حال در این جلسه، برای اثبات جامعیت این تقسیم، بعضی از موضوعات مرتکز فرهنگی مطرح و شمول تقسیم نسبت به این موضوعات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

البته در ابتدای جلسه، مراحل تنظیم نظام عناوین فرهنگی مبتنی بر این تقسیم بررسی شد.

۱ - بیان مراحل تنظیم نظام عناوین فرهنگی

همانطور در مدل تعریف بیان شد، ما نیاز به دو دسته مفاهیم هستیم یک دسته مفاهیم در طرف ساختار و دسته دیگر مفاهیم در طرف کارآئی که مفاهیم طرف ساختار به صورت وصف و موصوف ذکر می‌شوند که بوسیله این مفاهیم، می‌توان عناوین عینی طرف چپ جدول (طرف کارآئی) را تعریف و جایگاه، منزلت و وزن آنها را مشخص کرد.

حال با توجه به اینکه قرار شد عناوین وصفی ما همان عناوین مطرح شده در پیشنهاد اصلاحیه باشد، لذا ابتدا کیفیت تنظیم نظام عناوین فرهنگی توسط این سه وصف اصلی (دینی، علمی، اجرایی) و سپس جامعیت این عناوین نسبت به عناوین مرتکز فرهنگی بررسی می‌شود. نظام عناوین فرهنگی در چند مرحله شکل می‌گیرد:

مرحله اول: از آنجا که اوصاف اصلی فرهنگی (دینی، علمی، اجرایی) مفاهیم نسبی هستند می‌بایست در مرحله اول هر یک از این مفاهیم را در سه سطح تعریف کنیم.

مرحله دوم: در مرحله دوم می‌بایست هر یک از این اوصاف به یکدیگر اضافه شوند که با دو مرحله اضافه شدن این اوصاف به یکدیگر، ۲۷ عنوان سه قیدی شکل می‌گیرد.

مرحله سوم: در مرحله سوم می‌بایست هر کدام از عناوین دو قیدی ۹ گانه (حاصل ضرب اولیه) و سه قیدی ۲۷ گانه (حاصل ضرب ثانوی) را تعریف کنیم که با توجه به تعاریفی که در مرحله اول نسبت به اوصاف دو قیدی انجام می‌دهیم تعاریف در این مرحله براحتی انجام می‌گیرد. با تمام شدن این تعاریف، اوصاف ساختاری شکل می‌گیرد.

مرحله چهارم: در مرحله آخر با در دست داشتن اوصاف ساختاری و تعاریف آنها به سراغ موضوعات مرتکز فرهنگی (اوصاف کارائی) رفته و متناسب با آن اوصاف، ابتدائاً جایگاه این موضوعات مشخص و سپس تعریفی جامع از آنها صورت می‌گیرد که حاصل این عملکرد شکل‌گیری نظام عناوین فرهنگی می‌باشد.

۲- بررسی جامعیت تقسیم «دینی، علمی، اجرایی» از طریق تعیین جایگاه بعضی عناوین فرهنگی

از آنجا که قرار شد مبدا تقسیمات موضوعات فرهنگی، تقسیم اولیه فرهنگ به «دینی، علمی، اجرایی» باشد، لذا به موازات کاری که روی این اوصاف برای تنظیم اوصاف ساختاری انجام می‌شود می‌بایست برای بررسی جامعیت این تقسیم‌نگاهی هم به موضوعات عینی داشته باشیم به اینکه آیا این تقسیم می‌تواند تمام موضوعات فرهنگی عینی را شامل شود یا نمی‌تواند؟

با توجه به این نکته در این جلسه جایگاه و تعریف بعضی از عناوین و موضوعات فرهنگی متناسب با این تقسیم مطرح شد که برای انجام این امر، این قاعده مدنظر بود که هر موضوع زیربخش وصفی قرار می‌گیرد که آنها وصف عهده‌دار تعریف او است، مثلاً اگر منکرات را دین تعریف می‌کند معلوم می‌شود که این موضوع مجموعه فرهنگ دینی است. همچنین با همین قاعده هم می‌توان نسبت زیرمجموعه‌های فرهنگ «دینی، علمی، اجرایی» را با مقسم خود مشخص ساخت.

۲/۱- موضوع فرهنگی «منکرات و مفاسد» زیر مجموعه فرهنگ دینی

اولین موضوع فرهنگی مطرح شده در جلسه «منکرات و مفاسد» بود که با تحلیل زیر جزو موضوعات فرهنگ دینی شناخته شد.

از آنجا که نظام ارزشی هر جامعه متکفل مشخص کردن حدود منکر و معروف می‌باشد

لذا این موضوع فرهنگی هم زیرمجموعه فرهنگ دینی می‌باشد چرا که تنها در سایه دین و حساسیت‌ها و باورهای دینی است که پسند و ناپسند معنا می‌شود. چه بسا در جامعه‌ای با گرایش‌های خاص یک عمل ارزش و در جامعه دیگر متناسب با گرایش خاص دیگر آن عمل ضد ارزش باشد.

البته گاه این موضوع فرهنگی زیرمجموعه دینی دینی است و آن در صورتی می‌باشد که شخص تنها خود منکری را انجام دهد و گاه زیرمجموعه دینی علمی است و آن در صورتی می‌باشد منکر اشاعه داده شود و گاه زیرمجموعه دینی اجرائی است و آن در صورتی می‌باشد که منکری در جامعه اقامه شود. همچنین نسبت به بعضی از مصادیق منکر مانند اعتیاد شاید گفته شود که این قبیل موضوعات جزو منکرات نمی‌باشند زیرا هیچگونه منعی از شرع نسبت به این موضوعات نرسیده است و حال اینکه اگر به این موضوعات بصورت یک مبتلابه اجتماعی نگاه شود و نه بصورت یک موضوع فردی، یقیناً جزو منکرات محسوب می‌شوند زیرا اشاعه بعضی از این منکرات در جامعه تضعیف قدرت نظام اسلامی را بدنبال خواهد داشت.

۲/۲ - موضوع فرهنگی «انضباط اجتماعی» زیرمجموعه فرهنگ علمی

از آنجا که انضباط فعلی است که توسط تفکر بشر برای ایجاد تفاهم و هماهنگی نظری و عملی صورت می‌گیرد و حتی با انضباط سرعت و دقت در خود فکر کردن هم بالا می‌رود لذا این موضوع فرهنگی زیرمجموعه فرهنگ علمی می‌باشد چرا که تنظیم امور جامعه در امر برنامه‌ریزی و در سطوح «مدیریت، مباشرت، مشارکت» تنها در سایه «سرعت، دقت، انضباط» صورت می‌گیرد و با انضباط اجتماعی است که «همدلی، همفکری و همکاری» اجتماعی ایجاد می‌شود.

به بیان دیگر متناسب با افزایش «سرعت، دقت، انضباط» می‌توان در جامعه کثرات بیشتری را حول محور واحد به وحدت رسانید بدین معنا که تقسیمات موازی و متوالی بیشتری را شکل داد، یعنی علاوه بر بیشتر کردن سطوح منزلت (تقسیمات متوالی) می‌توان در هر سطح از منزلت هم سطوح مختلف «مدیریت، مباشرت، مشارکت» (تقسیمات موازی) را شکل داد. بنابراین شکل‌گیری فرهنگ یک جامعه و هماهنگی‌های تجزیه و ترکیب آن تنها در سایه انضباط اجتماعی می‌باشد.

البته پایگاه انضباط اجتماعی و بالطبع بالا رفتن قدرت «تجزیه، تحلیل، ترکیب»، منطقی و جریان عینی آن در دانش اجتماعی می‌باشد، بدین معنا که هر قدر منطق، منطقی کارآمد باشد،

دانش مبتنی بر آن منطق هم دانشی کارآمد و در نتیجه محصول آن استقرار انضباط اجتماعی در جامعه و ایجاد بستری مناسب برای جریان گرایش‌های الهی در تمامی شئون جامعه خواهد بود. بنابراین موضوع فرهنگی انضباط اجتماعی اولاً: جزو فرهنگ علمی است و ثانیاً: در یک سطح (در سطح منطقهها) جزو «علمی علمی» و در یک سطح (در سطح هماهنگی فرهنگ دانش با فرهنگ گرایش و فرهنگ پیش) جزو «علمی دینی» و در یک سطح (در سطح هماهنگی اجرائی) جزو «علمی اجرائی» خواهد بود.

۲/۳ - بررسی بعضی دیگر از موضوعات فرهنگی

در ادامه بعضی از موضوعات دیگر فرهنگی ملاحظه شد.

- ازدواج و جمعیت:

این موضوع از آن حیث که ارزش یا ضد ارزش بودن آن در دین مشخص می‌شود زیرمجموعه فرهنگ دینی و از آن حیث که با توجه به مقدرات و محدودیتهای یک جامعه احکامی خاص نسبت به آن صادر می‌شود زیرمجموعه فرهنگ اجرائی می‌باشد.

- ایجاد زمینه مطالعه:

این موضوع از جهتی زیرمجموعه فرهنگ دینی است چراکه در نظام ارزشی جامعه الهی تنها «مطالعه کارا» ارزشمند است. البته گاه این مطالعه با حفظ جهت ارزشی آن موجب رشد فکری در زمینه مطلوب می‌شود که در اینصورت می‌توان با این نگاه این موضوع را زیرمجموعه فرهنگ علمی دانست.

- ورزش و تربیت بدنی:

این موضوع از آن جهت که انضباط اجتماعی را بالا می‌برد «اجرائی علمی» می‌باشد.

- اوقات فراغت:

این موضوع زیرمجموعه فرهنگ «دینی، علمی، اجرائی» واقع می‌شود چراکه بهینه این موضوع، تأثیر بر کل جامعه دارد.

- گسترش روحیه نقد و انتقاد پذیری:

این موضوع زیرمجموعه «فرهنگ علمی» قرار گرفت

- «تأسیس مجتمعات فرهنگی»:

این موضوع زیرمجموعه «فرهنگ اجرائی» قرار گرفت.

«والسلام»

خلاصه گزارش بحث
مدل تنظیم سیاست‌های کلان فرهنگی

جلسه ۹

تاریخ جلسه: ۷۶/۱۲/۱۳

حجة الاسلام والمسلمین حسینی
تنظیم از: مصطفی جمالی

بررسی اوصاف فعل، موضوع و هدف در فرهنگ

مقدمه

در این جلسات بدنبال مدل تنظیم موضوعات فرهنگی بودیم که در جلسات اخیر قرار بر این شد که تقسیم موضوعات فرهنگی در پیشنهاد اصلاحیه، محور کار قرار گیرد. لذا در جلسه قبل، دو گونه بحث ارائه شد از یک طرف بحثی روشنی نسبت به این تقسیم موضوعات انجام شد به اینکه کیفیت ضرب اوصاف «دینی، علمی، اجرایی» در هم و تعریف و ترجمه آنها بیان شد و از طرف دیگر شمول این تقسیم نسبت به بعضی از موضوعات فرهنگی مشکوک الدخول در این تقسیم، بررسی گردید.

حال در این جلسه بحثی روشنی نسبت به این تقسیم صورت می‌گیرد و در ابتدا اوصاف «فعل، موضوع و اهداف» فرهنگی ملاحظه می‌شود و در آخر دو احتمال در نحوه ترکیب این اوصاف بیان می‌شود.

۱- اوصاف «فعل، موضوع، هدف» در فرهنگ

۱/۱- اوصاف فعل فرهنگی

فرهنگ را می‌توان در سه سطح تعریف کرد. گاه فرهنگ به پذیرش اجتماعی و گاه بالاتر از پذیرش به سنجش اجتماعی تعریف می‌شود، اما اگر بخواهیم تعریفی جامع‌تر از فرهنگ ارائه دهیم می‌بایست فرهنگ را با توجه به ابعادش تعریف کنیم.

از آنجا که فرهنگ، بینش اجتماعی می‌باشد، لذا می‌توان در تعریف فرهنگ هم سه بُعد «گرایش بینش، بینش بینش، دانش بینش» را لحاظ کرد که در اینصورت متناسب با این سه بُعد،

اوصاف فعل فرهنگی هم سه‌گونه خواهد شد، یعنی گاه فعل فرهنگی در سطح گرایش بیش و گاه در سطح بینش بیش و گاه در سطح دانش بینش انجام می‌پذیرد و بالطبع فعالیت‌های در هر سطح متفاوت با سطح دیگر می‌باشد، بدین معنا که در سطح گرایش بینش، افعال فرهنگی «جهت‌گیری، موضع‌گیری، مجاهده» در سطح بینش بینش، «گمانه، گزینش، پردازش» و در سطح دانش دانش «تجزیه، تحلیل، ترکیب» خواهد بود.

به عبارت ساده‌تر اوصاف فعل در حقیقت بیانگر «روشها» می‌باشند منتهی روش به معنای عام آن. روش در معنای عام خود، به تناسبات تعریف می‌شود. برای تقریب بیشتر این معنا به ذهن می‌توان اوصاف فعل، اوصاف موضوع و اوصاف هدف را با روش، استدلال، نتیجه، متناظر دانست، یعنی اوصاف فعل کار روش، اوصاف موضوع کار استدلال و اوصاف هدف کار نتیجه را انجام می‌دهند.

۱/۲ - اوصاف موضوع فرهنگی

متناسب با تعریف فرهنگ و اوصاف فعل فرهنگی می‌توان موضوعات فرهنگی را هم به «بینش گرایش، بینش بینش، بینش دانش» تقسیم کرد که در حقیقت اوصاف موضوع فرهنگی از طریق معکوس ساختن قیود اوصاف فعل فرهنگی بدست آمده‌اند. به بیان دیگر چون فرهنگ به بینش اجتماعی تعریف می‌شود، انواع این بینش متناسب با سطوح بینش مشخص می‌شود. حال می‌توان فرهنگ «دینی، علمی، اجرایی» را مترادف با انواع فرهنگ دانست و آنها را بر این پایه مورد تحلیل قرار داد.

۱/۳ - اوصاف هدف فرهنگی

با توجه به انواع فرهنگ و افعالی که می‌بایست روی این انواع صورت بگیرد می‌توان اوصاف هدف فرهنگی را هم در سه سطح «حقانیت، صحت، کارآمدی» معنا کنیم. به عبارت دیگر هر فعلی که روی موضوعی انجام می‌شود گاه برای اثبات حقانیت آن موضوع و گاه برای اثبات صحت آن موضوع و گاه برای مشخص کردن کارآمدی آن موضوع می‌باشد. البته اثبات حقانیت در فرهنگ دینی و اثبات صحت در فرهنگ علمی و مشخص کردن کارآمدی در فرهنگ اجرایی انجام می‌شود. با این بیان اگر چه هر موضوع فرهنگی می‌تواند زیرمجموعه هر یک از

انواع فرهنگ قرار بگیرد زیرا در هر موضوعی این سه بعد قابل ملاحظه می‌باشد، یعنی نسبت به هر موضوعی اولاً: باید حقانیت و ارزش آن مشخص شود و ثانیاً: باید صحت آن تمام شود و ثالثاً: باید کارآمدی آن به اثبات برسد، ولی با اینحال به این نکته باید توجه دانست که میزان تأثیر موضوع یا روش در حقانیت، صحت یا کارآمدی ملاک تفکیک موضوعات و روشها از یکدیگر می‌باشند.

به عبارت دیگر در روش و موضوعات زیرمجموعه فرهنگ دینی تناسب به وحی و مقنن شدن آن تناسب (حقانیت) و در روش و موضوعات زیرمجموعه فرهنگ علمی، هماهنگی و تلائم نظری (صحت) و در روش و موضوعات زیرمجموعه فرهنگ اجرائی، هماهنگی و تلائم عینی (کارآمدی) اصل می‌باشد.

حال با توجه به اصل بودن روش (تناسبات) و فرع بودن موضوع و تبع بودن محصول در فرهنگ می‌توان جایگاه هر موضوع را مشخص کرد و مثلاً اگر در موضوعی حقانیت اصل باشد آن موضوع، زیرمجموعه فرهنگ دینی است، هر چند صحت و کارآمدی آن هم باید تمام شود، مثلاً: در موضوع علم اصول، چون تعبد جزو موضوع روش آن است زیرمجموعه فرهنگ دینی می‌باشد، هر چند باید صحت (تلائم نظری) و کارآمدی (تلائم عینی) هم در علم اصول ملاحظه شود. کارآمدی علم اصول بدین معناست که بتواند پاسخگوی نیازها باشد.

۲- تفاوت تعریف انتزاعی و تعریف وصفی فرهنگ

با توضیحاتی که داده شد تفاوت تعریف انتزاعی از فرهنگ با تعریف وصفی از فرهنگ مشخص می‌شود.

در تعریف انتزاعی معنای عامی از سه فرهنگ «دینی، علمی، اجرائی» ارائه می‌شود و از آنجا که متغیر اصلی (حقانیت، صحت، کارآمدی) در شکل‌گیری روش و موضوعات هر یک از این سه قسم مشخص نمی‌شود لذا هرکدام از اینها بنفسه با معنای عامی که دارند شامل تمامی مصادیق می‌شوند.

اما در تعریف وصفی از آنجا که متغیر اصلی در شکل‌گیری روش و موضوعات هر یک از سه قسم (فرهنگ دینی، علمی، اجرائی) مشخص شده است متناسب با سهم تأثیر موضوع یا

روش در «حقانیت، صحت، کارآمدی»، جایگاه موضوعات مشخص می شود و هر موضوع تنها می تواند زیرمجموعه یک فرهنگ قرار بگیرد، هرچند سهم تأثیر فرهنگهای دیگر در آن لحاظ می شود.

۳- بیان دو احتمال در ترکیب اوصاف فعل، موضوع و هدف در فرهنگ

در نحوه ترکیب اوصاف فعل، موضوع و هدف دو احتمال مطرح است:

احتمال اول: ابتدا خود فرهنگ «دینی، علمی اجرائی» را سه بار در خودش ضرب کنیم و سپس اوصاف هدف (حقانیت، صحت، کارآمدی) را هم سه بار در خودش ضرب کنیم و در آخر اوصاف متناظر در میان این دو دسته از اوصاف را می یابیم.

احتمال دوم: ابتدا اوصاف هدف را در اوصاف موضوع ضرب کنیم و سپس حاصل آن ضرب را در اوصاف فعل ضرب می نماییم. خصوصیت اینگونه ضرب این خواهد بود که تفکیک روش و موضوع در بخش حقانیت یا صحت یا کارآمدی امکان خواهد یافت.

«والسلام»

خلاصه گزارش بحث
مدل تنظیم سیاستهای کلان فرهنگی

جلسه ۱۰

تاریخ جلسه: ۷۶/۱۲/۱۳

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: مصطفی جمالی

بررسی تعریف فرهنگ و علت تکامل آن

مقدمه

در جلسات پیش بدنبال روش دسته‌بندی منطقی عناوین موضوعات فرهنگی بودیم و قرار بر این شد که تقسیم اولیه، تقسیم فرهنگ به «دینی، علمی، اجرایی» باشد. لذا با ملاک قرار دادن این تقسیم اولاً: بدنبال اثبات جامعیت این تقسیم و ثانیاً: در پی تقسیمات بعدی بودیم. در پی این امر در جلسه پیش اوصاف موضوع، فعل و هدف در فرهنگ بررسی شد و دو احتمال نسبت به ترکیب این اوصاف بیان گردید.

حال در این جلسه با توجه به مباحث انجام شده، با یک بازنگری مجدد تعریف فرهنگ و علت تکامل آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- تعریف فرهنگ

آنچنانکه در جلسات پیش بیان شد به پذیرش اجتماعی یک جامعه فرهنگ گفته می‌شود. حال در این جلسه برای این پذیرش اجتماعی دو شرط ذکر می‌شود:

۱- لزوم مقنن شدن پذیرش اجتماعی

۲- لزوم تقومی معنا شدن پذیرش اجتماعی

توضیح این دو شرط در قالب دو عنوان ذیل بیان می‌شود.

۱/۱- تفاوت تعریف فردی و تعریف اجتماعی فرهنگ

پذیرش وقتی می‌تواند اجتماعی شود و مورد مفاهمه همگان قرار گیرد که مقنن و قاعده‌مند شود. لذا اگر پذیرشی مقنن نشود و یا نتواند مقنن شود، آن پذیرش و فرهنگ فردی خواهد بود.

مقنن شدن به معنای زبان دار شدن می باشد، بدین معنا که هرگونه علامتی که منشأ پذیرش باشد هنگامی می تواند عمومی و اجتماعی شود که بتواند خود را به همگان عرضه کند و همگان هم آن علامت را بفهمند.

البته مبدأ پذیرش هم می تواند امور طبیعی و هم امور عقلی و هم امور روحی باشد که در صورتی این امور می توانند مبدأ پذیرش اجتماعی شوند که مقنن و زبان دار شوند. همچنین باید توجه داشت که پذیرش اجتماعی در یک جامعه متناسب با نظام حساسیتهای آن جامعه شکل می گیرد، چه بسا در جامعه ای اموری مقنن شده و مبدأ پذیرش اجتماعی شوند و در جامعه دیگر همان امور در جهت خلاف مقنن شده و مبدأ پذیرش اجتماعی هم واقع شوند.

بنابراین در فرهنگ اجتماعی خلاف فرهنگ فردی اولاً: پذیرش می بایست مقنن و زبان دار شود و ثانیاً: متناسب با توسعه اجتماعی زبان مفاهیم هم توسعه پیدا کند، یعنی اگر زبان مفاهیم یک جامعه نتواند همگام با توسعه اجتماعی، توسعه پیدا کند، در قدم بعدی قدرت تفاهم، همفکری و به پذیرش رساندن آن محدود خواهد شد.

۱/۲ - تفاوت تعریف انتزاعی و تعریف تقویمی فرهنگ

البته باید توجه داشت که تعریف فرهنگ به پذیرش، تنها تعریفی انتزاعی است که از وجه اشتراک میان اوصاف اخذ شده است و به صورت مضاف و مضاف الیه در هر موضوعی ذکر می شود.

ولی اگر بخواهیم از فرهنگ، تعریفی دقیقتر ارائه دهیم باید تعریفی تقویمی و بصورت وصف و موصوف ارائه دهیم.

بنابراین در تعریف تقویمی فرهنگ

اولاً: بر خلاف تعریف انتزاعی، فرهنگ موضوعی مستقل دیده نمی شود، بلکه تعریف از فرهنگ می بایست متقوماً با تعریف سیاست و اقتصاد ارائه شود.

ثانیاً: در تمامی موضوعات فرهنگی هم، تعریف فرهنگ به یک معنای فیکس و ثابت نمی باشد، بلکه فرهنگ در هر موضوعی مقتوم با تمام خصوصیات آن موضوع تعریف می شود. ثالثاً: با توجه به نسبی و تقومی بودن تعریف فرهنگ، هرگز نمی تواند این تعریف بریده از پایگاه فرهنگ ارائه شود، لذا می بایست در تعریف فرهنگ اختلاف سهم تأثیر عوامل در جریان تکامل، مد نظر قرار بگیرد.

رابعاً: خود فرهنگ می بایست بصورت یک فعل در حال جریان ملاحظه شود که در اینصورت می بایست سهم تأثیر اصلی، فرعی و تبعی در تکاملش و همچنین تأثیر آن نسبت به سایر موضوعات دیگر ملاحظه شود.

۲- بررسی علت تکامل فرهنگ (رابطه پذیرش، تفاهم و منطق)

با توجه به ضرورت مقنن شدن پذیرش برای تبدیل آن به پذیرش اجتماعی، ضرورت دارد که این مقنن شدن در سه بخش پذیرش (گرایش، بینش، دانش) برای هماهنگی با توسعه اجتماعی جاری شود. مثلاً: مردم بر سر حق یا باطل بودن مسئله ای به تفاهم برسند.

حال برای اینکه بتوانیم کمال یا نقص فرهنگ را مورد بررسی قرار دهیم می بایست در ابتدا علت پذیرش اجتماعی را در این سه بخش مورد مذاقه قرار دهیم.

تکامل پذیرش در یک جامعه رابطه مستقیم با قدرت تفاهم آن جامعه دارد، بدین معنا که هر مقدار قدرت تفاهم در جامعه بالا برود پذیرش هم تکامل پیدا می کند و قدرت تفاهم زمانی در جامعه توسعه پیدا می کند که بین تناسبات روحی، نظری و عینی جامعه هماهنگی برقرار شود. به عبارت دیگر اگر در جامعه ای هماهنگی بین فرهنگ دینی، علمی و اجرایی ایجاد شود و این سه بی ارتباط با یکدیگر ملاحظه نشوند و بالاتر از این هر یک دیگری را نفی نکند، در اینصورت در جامعه کمتر درگیری حاصل می شود و تفاهم براحتی انجام می گیرد.

بالطبع برای هماهنگی این سه حوزه در مرتبه قبل می بایست روشها و منطقهای این سه حوزه هماهنگ و متعاضد یکدیگر باشند.

بنابراین اگر منطقها و روشهای این سه حوزه هماهنگ شوند، ابزار تفاهم پیدا شده و توسعه تفاهم علت توسعه پذیرش اجتماعی می‌گردد

۳- نقش تقسیم به «فعل، موضوع، هدف» در توصیف فرهنگ

برای اینکه بتوانیم توصیفی جامع از فرهنگ داشته باشیم می‌بایست از افعال، موضوعات و اهداف در فرهنگ تحلیلی صحیح ارائه دهیم، چرا که این سه وصف به ترتیب متناظر با «توسعه، ساختار، کارایی» می‌باشند و «توسعه، ساختار، کارایی» در بردارنده سه بُعد اصلی هر موضوعی می‌باشند.

بر این اساس در تصرفاتی که روی موضوعات برای حاصل شدن نتیجه‌ای صورت می‌گیرد افعال نقشی اصلی و موضوعات نقشی فرعی و اهداف نقشی تبعی دارند. لذا ضرورت دارد که بین افعال و موضوعات در فرهنگ همیشه تناسب و هماهنگی برقرار شود.

البته اینگونه تقدم و تاخر (فعل، موضوع، هدف) در صورتی است که خود فعل مورد تحلیل قرار بگیرد و نه اینکه این سه در برنامه ملاحظه شوند. یعنی در صورتی که فعل موضوعاً مورد تحلیل قرار بگیرد همیشه مقدم بر موضوع و حاکم بر آن می‌باشد و فعل و موضوع هم حاکم بر محصول و نتیجه می‌باشند، ولی اگر این سه در ارائه برنامه برای موضوعی مستقل ملاحظه شوند موضوع مقدم بر فعل و هدف می‌باشد چرا که در برنامه موضوعی داریم که افعال روی آن برای رسیدن به هدفی انجام می‌گیرد.

بنابراین در صورتی که فعل موضوعاً مورد تحلیل قرار بگیرد مقدم بر موضوع و هدف می‌باشد و شاخصه بهینه فعل در این فرض تغییر هدف یا ارتقاء هدف می‌باشد و بالطبع با تغییر و بهینه فعل، موضوعات هم تغییر می‌کنند.

« والسلام »

خلاصه گزارش بحث
مدل تنظیم سیاستهای کلان فرهنگی

جلسه ۱۱

تاریخ جلسه: ۷۶/۱۲/۱۶

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: مصطفی جمالی

بیان ابعاد فرهنگ، تقسیمات ابعاد فرهنگ، رابطه ابعاد فرهنگی با موضوعات فرهنگی

مقدمه

در جلسات پیش بدنبال روش دسته‌بندی منطقی عناوین موضوعات فرهنگی بودیم و گمانه‌های متعددی مطرح شد و در جلسات اخیر تقسیم موضوعات فرهنگی به «دینی، علمی، اجرائی» ملاک کار قرار گرفت. در پی این امر اوصاف موضوع، فعل و هدف در فرهنگ بررسی شد و با توجه به این اوصاف در جلسه پیش با بازنگری مجدد، تعریف فرهنگ و علت تکامل آن بررسی شد.

در این جلسه گمانه‌ای جدید نسبت به ابعاد فرهنگ و تقسیمات آن و رابطه آن ابعاد با موضوعات فرهنگی زده شد که در این گمانه تمامی جدول جامعه در تقسیمات فرهنگ ملاک قرار می‌گیرد.

۱ - تفاوت استفاده از تقسیم «فعل، موضوع، هدف» در ملاحظه برنامه و ملاحظه شئی و متغییر

همچنانکه در جلسات پیش بیان شد برای ارائه توصیفی جامع از فرهنگ، می‌بایست از افعال، موضوعات و اهداف در فرهنگ تحلیلی صحیح ارائه دهیم. حال سؤال اساسی این است که تحلیل کدامیک از این سه مقدم بوده و ملاک تحلیل دیگری واقع خواهد شد؟ یک پاسخ اینست که چون ما بدنبال برنامه‌ریزی هستیم و برنامه هم موضوعی دارد که افعالی روی آن موضوع برای رسیدن به هدفی انجام می‌گیرد، لذا تحلیل موضوع مقدم می‌باشد. ولی به نظر می‌رسد که این پاسخ، زمانی می‌تواند پاسخی صحیح باشد که فعل در ضمن برنامه مورد تحلیل قرار بگیرد (برنامه‌ای که به بررسی موضوع، مستقل از سایر موضوعات می‌پردازد) ولی اگر «فعل موضوعاً» مورد تحلیل قرار بگیرد، تحلیل آن مقدم بر موضوع و هدف می‌باشد. بر این اساس در تصرفاتی که روی موضوعات برای حاصل شدن نتیجه‌ای صورت می‌گیرد افعال نقشی اصلی و موضوعات نقشی فرعی و اهداف نقشی تبعی دارند. اما فائده چنین تحلیلی

(تحلیل فعل موضوعاً این خواهد بود که مبتنی بر آن می‌توان افعال اصلی، فرعی و تبعی را متناسب با موضوع معین کرد، بدین معنا که فعل «اصلی، فرعی، تبعی» ما باید متناسب با متغیر «اصلی، فرعی، تبعی» در موضوع باشد.

۲- بیان ابعاد فرهنگ و ربط آن با موضوعات فرهنگی

چنانچه که ذکر شد در تحلیل فعل موضوعاً، ابتداء سطوحی «اصلی، فرعی، تبعی» برای فعل ذکر می‌شود و سپس متناسب با آن، سطوحی «اصلی، فرعی، تبعی» برای موضوع ذکر می‌شود. حال برای مشخص کردن سطوح فعل باید جدول جامعه ملاک قرار گیرد زیرا همانگونه که جامعه فعل، موضوع و هدف دارد، فرهنگ هم به عنوان یک فعل، موضوع و هدف دارد، لذا می‌بایست جدول جامعه در آن قابل جریان باشد.

بنابراین اگر در جامعه اوصاف فعل، «جهت‌گیری، موضع‌گیری، مجاهده» (شاخصه ظرفیت جامعه) و «گمانه، گزینش، پردازش» (شاخصه جهت جامعه) و «تجزیه، تحلیل، ترکیب» (اوصاف عاملیت در جامعه) می‌باشد در موضوع فرهنگ هم همینگونه خواهد بود. و یا اگر در جامعه تغییر «انتظارات» حاصل تغییر ظرفیت جامعه و تغییر «ارتباطات» - «ناصل تغییر جهت جامعه و تغییر «اقتدار» حاصل تغییر عاملیت جامعه می‌باشد در موضوع فرهنگ هم همینگونه خواهد بود.

بعبارت دیگر همچنانکه در جامعه فعل و موضوع داریم در فرهنگ هم فعل و موضوع خواهیم داشت. اگر در جامعه با تغییر اوصاف فعل و موضوع اوصاف کلان جامعه («تناظر، ترتیب، تنظیم»، «مدیریت، مشارکت، مباحثت») و بالطبع نحوه تخصیصات و کار سیاسیها در اجرا تغییر می‌کنند در فرهنگ هم همینگونه می‌باشد. براین اساس ابعاد فعل فرهنگی در جامعه «جهت‌گیری، سنجش، خصوصیت موضوع» خواهد بود.

- جهت‌گیری به معنای حاکم کردن جهتی بر اندیشیدن می‌باشد که این فعل، فعلی استمراری می‌باشد و بر ابعاد دیگر فعل همواره سایه افکنده است و لذا با نبود آن افعال دیگر اصلاً شکل نمی‌گیرند، یعنی اگر تردید در جهت باشد فعل سنجش واقع نمی‌شود. - سنجش به معنای حاصل شدن آگاهی کارآمد می‌باشد، یعنی اگر جهت‌گیری اصلی حل معضلات نظام ولایت الهی باشد، در مرحله بعد باید نسبت به این حل معضلات آگاهی و سنجش حاصل شود.

- خصوصیت موضوع به معنای تناسب موضوع با جهت‌گیری می‌باشد. سنجش همیشه روش و موادی (موضوعاتی) دارد که اگر جهت‌گیری الهی باشد طبیعتاً

مواد آن باید از تعالیم انبیاء اخذ شود و بالطبع روش آنهم روش استنباط و علم اصول خواهد بود. بر این اساس در فرهنگ الهی صحت و کارآمدی تبعیت از حقانیت می‌کنند ولی در فرهنگ مادی چون جهتگیری، مادی و اصل، ابتهاجات مادی می‌باشد، لذا حقانیت تبعیت از صحت و صحت تبعیت از کارآمدی می‌کند. به تعبیر دیگر در فرهنگ مادی ابتهاجات مادی بر رشد تکنولوژی و رشد تکنولوژی بر توسعه اخلاق حاکمیت پیدا خواهد کرد.

بنابراین ابعاد فعل «جهتگیری، سنجش، ملاحظه تناسب سنجش با موضوع خاص» می‌باشد که این ابعاد در سه موضوع فرهنگ «دینی، علمی، اجرایی» قابل طرح می‌باشد.

- جهتگیری در این انواع از طریق دین حاصل می‌شود و لذا اگر بخواهیم جهتگیری را در اینها نشان دهیم نیازمند روشی هستیم که این روش پایگاه مناسبی خواهد بود که جهتگیری را تبدیل به موضعگیری و مجاهده خواهد کرد.

- سنجش در هر یک از انواع متناسب با موضوع خواهد بود بدین معنا که موضوعات سنجش، فرهنگ «دینی، علمی، اجرایی» خواهند.

البته برای تناسب سنجش با جهتگیری نیازمند روش و مناسبی برای تکامل سنجش می‌باشیم.

- ملاحظه تناسب سنجش با موضوع خاص در هر یک از انواع فرهنگ هم می‌بایست توسط روشی صورت بگیرد، بدین معنا که جایگاه و اهمیت موضوع مشخص شود و به هر موضوعی بیش از حد خودش بها داده نشود.

البته باید توجه داشت که تکامل موضوعات فرهنگ از تکامل ابعاد فرهنگ تبعیت می‌کند چرا که منزلت ابعاد منزلت زمانی و منزلت انواع، منزلت مکانی و منزلت هدف منزلت کارآئی می‌باشد.

۳- بیان تقسیمات ابعاد فرهنگ و بررسی ارتباط فرهنگ دینی، علمی، اجرایی بر اساس آن در بند قبل، جهت‌گیری، سنجش و خصوصیت موضوع به عنوان ابعاد فرهنگ ذکر شد. حال برای مشخص شدن تقسیمات ابعاد و تبع آن تقسیمات موضوعات فرهنگی، لازم است تا تقسیمات ابعاد فرهنگ شناخته شود. برای این منظور رابطه سه بعد بیان شده برای فرهنگ با جدول اوصاف جامعه بررسی می‌گردد.

جهت‌گیری متناظر با «گرایش اجتماعی»، سنجش متناظر با «بینش اجتماعی» و خصوصیت موضوع متناظر با دانش اجتماعی است لذا اوصافی که برای بیان «فعل، موضوع و محصول» در هر یک از «گرایش، بینش، دانش» در جدول اوصاف جامعه آمده‌اند، بیانگر تقسیمات ابعاد فرهنگ می‌باشند.

از طرف دیگر موضوعات فرهنگی متناظر با ابعاد فرهنگی تعیین گشته بودند یعنی فرهنگ دینی متناظر با گرایش اجتماعی، فرهنگ علمی متناظر با بینش اجتماعی و فرهنگ اجرایی متناظر با دانش اجتماعی بوده حال با توضیح فوق روشن می شود که تقسیمات هر یک از گرایش، بینش، دانش، بیانگر تقسیمات متناظر دینی، علمی، اجرایی نیز می باشند (هر چند در سطح گسترده تقسیمات هر یک از فرهنگ دینی، علمی، اجرایی می تواند دارای گرایش، بینش، دانش باشد).

پس از این مقدمه تقسیمات فعل، موضوع و هدف در گرایش و بینش بنابر آنچه در جدول اوصاف جامعه آده است به صورت خلاصه ذکر می شود.

- گرایش اجتماعی

	- اوصاف فعل —									
جهت گیری، موضوع گیری، مجاهده										
<table style="margin: auto; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="border-right: 1px solid black; padding: 5px;">تکوینی</td> <td style="padding: 5px;"> </td> <td style="padding: 5px;">ولایت</td> </tr> <tr> <td style="border-right: 1px solid black; padding: 5px;">تاریخی</td> <td style="text-align: center; padding: 5px;">X</td> <td style="padding: 5px;">تولی</td> </tr> <tr> <td style="border-right: 1px solid black; padding: 5px;">اجتماعی</td> <td style="padding: 5px;"> </td> <td style="padding: 5px;">تصرف</td> </tr> </table>	تکوینی		ولایت	تاریخی	X	تولی	اجتماعی		تصرف	- اوصاف موضوع —
تکوینی		ولایت								
تاریخی	X	تولی								
اجتماعی		تصرف								
ارزش، دستور، حقوق	- اوصاف محصول —									

- بینش اجتماعی

	- اوصاف فعل —									
گمانه، گزینش، پردازش										
<table style="margin: auto; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="border-right: 1px solid black; padding: 5px;">وحدت و کثرت</td> <td style="padding: 5px;"> </td> <td style="padding: 5px;">چسبایی</td> </tr> <tr> <td style="border-right: 1px solid black; padding: 5px;">مکان و زمان</td> <td style="text-align: center; padding: 5px;">X</td> <td style="padding: 5px;">چیستی</td> </tr> <tr> <td style="border-right: 1px solid black; padding: 5px;">اختیار و آگاهی</td> <td style="padding: 5px;"> </td> <td style="padding: 5px;">چگونگی</td> </tr> </table>	وحدت و کثرت		چسبایی	مکان و زمان	X	چیستی	اختیار و آگاهی		چگونگی	- اوصاف موضوع —
وحدت و کثرت		چسبایی								
مکان و زمان	X	چیستی								
اختیار و آگاهی		چگونگی								
هستی، فیزیک، ریاضی	- اوصاف محصول —									

شایان ذکر است که هماهنگی هستی، فیزیک، ریاضی با یکدیگر مانع ناهنجاری فکری در جامعه است

پس از بیان تقسیمات گرایش و بینش، که متناظر با فرهنگ دینی و علمی هستند نوبت به بیان رابطه فرهنگ دینی، علمی و اجرایی می رسد.

فرهنگ دینی از طریق توصیفها، اهداف و احکامی که از منابع دینی استخراج می کند بر معادلات ارائه شده در فرهنگ علمی حکومت می کند و فرهنگ علمی نیز از طریق معادلات بیان شده در علم بر دستورات عملهای اجرایی حاکمیت دارد.

« والسلام »

خلاصه گزارش بحث

مدل تنظیم سیاست‌های کلان فرهنگی

جلسه ۱۲

تاریخ جلسه: ۷۶/۱۲/۲۳

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: مصطفی جمالی

تعریف «استراتژی، سیاست، برنامه اجرائی»

و معیار تفکیک «موضوع، فعل، هدف» در این سه

مقدمه

در جلسات پیش بدنبال تنظیم نظام موضوعات و عناوین فرهنگی، احتمالات متعددی مطرح شد. در اکثر این احتمالات مبنای اولیه تقسیم، تقسیم فرهنگ به «فعل، موضوع، هدف» بود و در توضیح اوصاف این سه بخش از فرهنگ هم احتمالات متفاوتی طرح و بررسی شد. در این جلسه برای روشن شدن آنچه به عنوان سیاست در مجموع طرح به دنبال آن هستیم عنوان استراتژی، سیاست، برنامه اجرائی تعریف و تفاوت آنها با یکدیگر و همچنین معیار تفکیک «موضوع، فعل، هدف» در هر یک از این سه بررسی شد. البته قبل از این مطلب تفاوت فعل خود موضوع با فعل کنترل کننده (کارشناس) تغییرات موضوع و ضرورت تناسب ایندو برای کنترل و هدایت تغییرات، بیان گردید.

۱- ضرورت تناسب فعل متصرف با فعل موضوع

آنچنانکه بیان شد ما همیشه موضوعاتی داریم که با انجام افعالی روی آن موضوعات به نتایجی می‌رسیم. بنابراین چه بخواهیم برنامه‌ریزی کنیم و یا شی متغییر را بشناسیم نیاز داریم که پیرامون «فعل، موضوع، هدف» تحلیلی صحیح داشته باشیم. تحلیل اجمالی این سه در جلسات پیش گذشت و در این جلسه نکته مهمی پیرامون «موضوع» بیان شد. موضوع صرف نظر از فعل و هدف کارشناس خود دارای «فعل، سطوح فعل و آثار فعل» می‌باشد. به تعبیر دیگر موضوع، خود فعل دارد و حاصل آن فعل وقوع تغییراتی در سطوحش

(اصلی، فرعی، تبعی) می باشد که این تغییرات در آثار به ظهور می رسند.
با توجه به این امر نسبت به فعلی که توسط کارشناس برای کنترل تغییرات موضوع صورت می گیرد باید به دو نکته توجه داشت.

اولاً: تغییراتی که بوسیله تصرفات کارشناس واقع می شود، تغییرات نسبت به شیء متغیر است و ثانیاً: برای کنترل و هدایت صحیح تغییرات موضوع ضرورت دارد که فعل کارشناس متناسب با فعل خود موضوع باشد و طبیعتاً برای تحقق این امر می بایست تناسب فعل کارشناس به متغیر اصلی موضوع حفظ شود.

به سخن دیگر اگر چه فعل متصرف در تغییر موضوع دخالت دارد ولی تغییر موضوع تنها با فعل متصرف صورت نمی گیرد، بلکه فعل خود موضوع هم می تواند منشا تغییر سطوح موضوع فعل و آثار فعل شود لذا تغییری کارآمد است که در آن تناسب فعل متصرف با فعل موضوع حفظ شود.

۲ - تعریف «استراتژی، سیاست، برنامه اجرایی» و بیان «فعل، موضوع، هدف» در این سه
۲/۱ - تعریف استراتژی

با توجه به مطلب بالا، استراتژی بیانگر تناسب فعل (موضوعاً) با متغیر اصلی موضوع می باشد، یعنی موضوع در مراحل مختلف، تغییراتی می کند و بالطبع متغیرهای اصلی، فرعی و تبعی دارد و استراتژی سیاست حاکمی است که کیفیت تناسب فعل را با متغیر اصلی مشخص می کند.

به بیان دیگر موضوع در جهت رسیدن به هدفی خاص تغییراتی در مراحل مختلف می کند و بر هر مرحله از تغییر، سیاستهای خاصی حاکم می باشد که «استراتژی» ابزار هماهنگ سازی این سیاستها می باشد، لذا استراتژی بزرگترین فعلی است که بر همه مراحل حکومت دارد. با این بیان اهمیت تبیین استراتژی مشخص می شود چرا که در صورت نداشتن استراتژی ناهماهنگی در سیاستهای مرحله ای ایجاد می شود و بالطبع تغییر و حرکت انفعالی صورت می گیرد.

موضوع استراتژیک:

با توجه به تعریف «استراتژی» موضوع استراتژیک، موضوعی است که محور تنظیم امور قرار می‌گیرد، لذا همیشه باید کنترل متغیر اصلی را بر عهده بگیرد.
فعل استراتژیک:

فعلی که موضوع استراتژیک را در همه مراحل تغییر کنترل کند، فعل استراتژیک می‌باشد.

هدف استراتژیک:

هدفی که بر همه مراحل از تغییر حاکم است، هدف استراتژیک می‌باشد.

۲/۲ - تعریف سیاست

به ابزار هماهنگی افعال بزرگی که در یک مرحله از تغییر انجام می‌پذیرد سیاست گفته می‌شود، که با تکامل موضوع، سیاستها هم تغییر و تکامل پیدا می‌کنند.
با توجه به این تعریف نکات زیر مشخص می‌شود:

۱ - سیاست مربوط به یک مرحله از تغییر است بر خلاف استراتژی که سیاست حاکم بر تمامی مراحل تغییر می‌باشد.

۲ - سیاست، کنترل‌کننده متغیرهای موضوع و استراتژی کنترل‌کننده وحدت کل (نسبت بین درون و بیرون) می‌باشد.

۳ - سیاستها به تبع تکامل موضوع می‌توانند تغییر کنند و متعدد باشند ولی استراتژی واحد و سیاست حاکم می‌باشد.

۴ - سیاستها، مجرای تحقق استراتژی می‌باشند، لذا هدف در سیاستها موضوع فعل استراتژیک می‌باشد.

۲/۳ - تعریف برنامه اجرایی

با مشخص شدن استراتژی و سیاستها در مرحله بعد می‌توان برای تحقق آنها میزان اعتبارات و تخصیصها را معین کرد که این امر بر عهده برنامه اجرایی می‌باشد.

به تعبیر دیگر با مشخص شدن متغیرهای موضوع و نسبتهای بین آنها در مرحله

سیاستگذاری، می‌توان در مرحله بعد (برنامه‌ریزی) تحت آن نسبتها مشخص کرد که به هر موضوع چه مقدار باید بها داد و چه افعال خاصی برای تغییر آن باید صورت بگیرد.

با توجه به این تعریف نکات زیر مشخص می‌شود:

۱- در برنامه‌ریزی سه فعل «ترتیب، تنظیم، تدبیر» برای تحقق سیاستها صورت می‌گیرد. یعنی در برنامه‌ریزی ابتدا ترتیب و طبقه‌بندی موضوعات مشخص می‌شود و سپس نظام و نسبتهایشان به یکدیگر مشخص می‌شود و در آخر برنامه‌ای برای دست یافتن به تغییر مطلوب طراحی می‌شود.

۲- در تمامی مراحل برنامه سیاستها قوانین حاکم می‌باشند و لذا هدف در برنامه اجرایی موضوع فعل سیاستگذاری می‌باشند.

۳- اهداف در برنامه اجرایی بر خلاف سیاستگذاری بصورت کمی بیان می‌شوند و تنها در سایه همین اهداف کمی است که امکان القاء سیاستی خاص پدید می‌آید.

« والسلام »

خلاصه گزارش بحث

مدل تنظیم سیاست‌های کلان فرهنگی

جلسه ۱۳

تاریخ جلسه: ۷۷/۰۱/۱۵

حجة الاسلام والمسلمین حسینی
تنظیم از: حجة الاسلام مصطفی جمالی

بررسی احتمالات پیرامون اوصاف فعل فرهنگی و ربط آن با پذیرش و سنجش اجتماعی

مقدمه

در جلسات پیش بدنبال تنظیم «نظام موضوعات و عناوین فرهنگی» احتمالات متعددی پیرامون اوصاف «فعل، موضوع و هدف» فرهنگی بیان شد و در بررسی احتمالات پیرامون موضوعات فرهنگی قرار شد تقسیم فرهنگ به فرهنگ «دینی، علمی، اجرایی» ملاک کار قرار بگیرد. حال در این جلسه تمامی احتمالات مطرح شده نسبت به اوصاف فعل، موضوع و هدف فرهنگی بیان و سپس احتمالات اوصاف فعل مورد بررسی قرار گرفتند و در آخر رابطه پذیرش و سنجش اجتماعی با فعل فرهنگی بیان گردید. البته قبل از بررسی احتمالات ابتدا ضرورت توجه به اوصاف فعل و هدف در تنظیم نظام عناوین و موضوعات فرهنگی طرح شد.

۱- ضرورت توجه به اوصاف فعل و هدف علاوه بر اوصاف موضوع برای تنظیم نظام عناوین فرهنگی

برای تنظیم نظام عناوین و موضوعات فرهنگی به دو گونه می توان عمل کرد:

الف) تنها به تقسیمات موضوعات فرهنگی توجه شود و توجهی به اوصاف فعل و هدف فرهنگی نشود.

ب) علاوه بر تقسیمات موضوعات فرهنگی، اوصاف فعل و هدف فرهنگی هم مدنظر قرار گیرد.

در شیوه اول، تقسیم به روش انتزاعی صورت می گیرد و تنها منزلت مکانی موضوعات مدنظر قرار می گیرد ولی در شیوه دوم - که مبنای صحیح همین است - تقسیم، به روش

مجموعه‌نگری و غیرانتزاعی صورت می‌گیرد و علاوه بر منزلت مکانی، منزلت زمانی موضوعات هم ملاحظه می‌گردد. بنابراین برای شناخت موضوعات و طبقه‌بندی آنها باید آنها را در روند و حرکت ملاحظه کرد و این امر آنگاه ممکن است که هدف و فعل هم مورد توجه قرار گیرد.

البته باید توجه داشت که لازمه ملاحظه موضوعات در روند این نیست که نتوان موضوعات را مستقلاً ملاحظه و برای آنها اتخاذ سیاست کرد بلکه حتی در صورتی هم که موضوعات در روند ملاحظه می‌شوند، می‌توان در ساختار مکانی، موضوعاتی متناظر با آنها را در هر مقطع از روند ملاحظه کرد.

۲- بررسی تفاوت بین اوصاف «فعل موضوعاً»، «فعل وصفاً»، «فعل موصوفاً» و احتمالات پیرامون هر یک

در جلسات گذشته احتمالات متعددی پیرامون اوصاف فعل بیان شد که در این جلسه با ملاحظه دوباره احتمالات، بعضی از آنها مختص به اوصاف فعل موضوعاً و بعضی مختص به اوصاف فعل وصفاً و بعضی از آنها مختص به اوصاف فعل موصوفاً دانسته شد. حال در ابتدا تفاوت این سه دسته از اوصاف بیان و سپس احتمالات پیرامون هر یک مطرح می‌گردد.

۲/۱- تفاوت بین اوصاف «فعل موضوعاً»، «فعل وصفاً»، «فعل موصوفاً»

در بررسی اوصاف فعل موضوعاً، افعال اساسی فرهنگی بیان می‌شود که در فرهنگ، فعل فرهنگی به «گمانه، گزینش، برداشش» تجزیه می‌شود.

در بررسی اوصاف فعل، وصفاً تقسیمات فعل صورت می‌گیرد بدین معنا که گاه فعل فرهنگی نسبت به گرایش و گاه نسبت به بینش و گاه نسبت به دانش صورت می‌گیرد.

در بررسی اوصاف فعل موصوفاً خود فعل ارزیابی می‌شود که برای ارزیابی فرهنگ جامعه می‌بایست آن را در سه سطح «انگیزه، اندیشه، انجام» ارزیابی کرد.

بنابراین اوصاف فعل موضوعاً «گمانه، گزینش، برداش» و اوصاف فعل وصفاً «گرایش، بینش، دانش» و اوصاف فعل موصوفاً «انگیزه، اندیشه، انجام» می باشد. با توجه به این تقسیمات نکات زیر قابل دقت است:

الف) هرچند در تدوین نظام عناوین و موضوعات فرهنگی تنها باید تقسیمات فعل وصفاً بیاید ولی باید توجه داشت که ملاحظه اوصاف فعل موضوعاً و موصوفاً هم به بیانی که گذشت ضرورت دارد.

ب) تقسیمات فعل موضوعاً خود در تدوین عناوین و موضوعات فرهنگی می تواند جایگاهی داشته باشد مثلاً در امر پژوهش می بایست این امور مد نظر قرار بگیرد.

ج) اوصاف فعل موصوفاً حاکم بر فعل فرهنگی فرد و جامعه می باشد، بدین معنا که اختیار هرگونه «انگیزه، اندیشه و انجام» در روند توسعه فعل فرهنگی و بالطبع موضوعات فرهنگی نقش اساسی را ایفا می کند. مثلاً اگر انگیزه مادی اصل قرار گیرد در «گمانه، گزینش، برداش» فردی و اجتماعی تعبد اصل قرار نمی گیرد.

د) در تقسیمات اوصاف فعل وصفاً بجای «گرایش، بینش، دانش» می توان تقسیم «دینی، علمی، اجرایی» را بیان کرد.

۳- ربط پذیرش سنجش اجتماعی با فعل فرهنگی اجتماعی

۱- آنچه که بیان شد اوصاف فعل فرهنگی «گمانه، گزینش، برداش» می باشد که این اوصاف چه در فرد و چه در اجتماع در شکل گیری سنجش و بالطبع پذیرش اجتماعی و فردی سهم تاثیر بسزائی دارند.

۲- البته باید به این نکته توجه داشت که پذیرش اجتماعی هم معلول و هم مقدمه تکامل سنجش اجتماعی می باشد بدین معنا که جامعه ابتدا پذیرش خاصی دارد که آن پذیرش بستر توسعه سنجش خاص می شود و با تبدیل آن سنجش به قوانین اجتماعی و جریان آن در جامعه، زمینه پذیرشهای خاص دیگری و با توسعه پذیرشهای قبلی ایجاد می شود.

۳- بنابراین سنجش (گمانه، گزینش، برداش) تنها مجرای ایجاد پذیرش اجتماعی نمی باشد بلکه می توان «موضعگیری، سنجش و گرایش» را به عنوان سه مجرای ایجاد پذیرش نام برد.

عبارت دیگر ایجاد پذیرش اجتماعی تنها متکی بر امور بدیهی نظری و یا امر پذیرفته شده نمی باشد، بلکه گاه آداب و رسوم اجتماعی، و گاه غلبه عینی، و گاه هنر در بعضی از موارد موجب ایجاد پذیرش اجتماعی می شوند.

۴- هرچند مجاری ایجاد پذیرش موضعگیری، سنجش و گرایش دانسته شد ولی تنها در صورتی شکل گیری پذیرش مطلوب خواهد بود که از مجرای سنجش گذشته باشد. البته باید توجه داشت که این مطلب در صورت بررسی فعل موضوعاً مطرح می باشد، یعنی در شکل گیری فعل فرهنگی موضوعاً، سهم تاثیر اصلی به سنجش داده می شود ولی در بررسی فعل فرهنگی موصوفاً سهم تاثیر اصلی به گرایش داده می شود.

باز به این نکته باید توجه داشت که در بررسی فعل فرهنگی هرچند سهم تاثیر اصلی در هر صورت (وصفاً یا موصوفاً یا موضوعاً) به یکی از اوصاف «گرایش، موضعگیری، سنجش» داده می شود ولی در عین حال باید دو وصف دیگر هم به عنوان سهم تاثیر فرعی یا تبعی مد نظر قرار داد.

۴- امکان بیان تاثیر «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» در فرهنگ با سه دسته اوصاف

برای اینکه بتوان تحلیل جامع نسبت به فرهنگ و مبادی ایجاد آن ارائه داد می بایست تاثیر دو بعد دیگر جامعه را (سیاست و اقتصاد) در شکل گیری پذیرش اجتماعی (تعریف فرهنگ) ملاحظه نمود.

به عبارت دیگر در شکل گیری پذیرش اجتماعی تنها «گمانه، گزینش، پردازش» (اوصاف فعل فرهنگی) تاثیرگذار نمی باشند بلکه «جهت گیری، موضعگیری، مجاهده» (اوصاف فعل سیاسی) و «تجزیه، تحلیل، ترکیب» (اوصاف فعل اقتصادی) هم تاثیرگذار می باشند و چه بسا سهم تاثیر سیاست ۴ و فرهنگ ۲ و اقتصاد ۱ در ایجاد پذیرش اجتماعی باشد.

البته باید به این نکته توجه داشت که در این قسمت ارتباط دو بعد فرهنگ و اقتصاد با اوصاف فعل فرهنگی بیان شد ولی برای ارائه تحلیلی جامع می بایست ارتباط این دو بعد را نسبت به اوصاف فعل و هدف فرهنگی هم ملاحظه نمود.

«والسلام»

خلاصه گزارش بحث

مدل تنظیم سیاستهای کلان فرهنگی

جلسه ۱۴

تاریخ جلسه: ۷۷/۰۱/۲۰

حجة الاسلام والمسلمین حسینی
تنظیم از: حجة الاسلام مصطفی جمالی

۱- جمع بندی احتمالات گذشته پیرامون فعل، موضوع، هدف فرهنگی

۲- تعیین روند بحث

مقدمه

در جلسات پیش بدنبال تنظیم نظام عناوین و موضوعات فرهنگی، احتمالات متعددی پیرامون موضوعات فرهنگی بیان گردید. همچنین ضرورت پرداختن به اوصاف فعل و هدف فرهنگی هم اثبات و بدنبال آن احتمالات متعدد هم پیرامون این اوصاف بیان گردید.

در جلسه پیش احتمالات مربوط به اوصاف فعل فرهنگی بررسی و در آخر سه دسته اوصاف برای اوصاف فعل «موضوعاً، صفماً، موصوفاً» بیان گردید.

حال در این جلسه در ادامه بحث جلسات قبل ابتدا احتمالات پیرامون فعل، موضوع، هدف فرهنگی جمع بندی و سپس روند آتی بحث معین می گردد.

۱- بیان چهار احتمال در ارتباط بین احتمالات پیرامون یک مسئله

آنچنانکه بیان شد پیرامون هر یک از اوصاف فعل، موضوع و هدف فرهنگی احتمالات متعددی مطرح می باشد که در جمع بین این احتمالات باید به این نکته توجه داشت که ارتباط احتمالات متعدد پیرامون یک موضوع از چهار حالت خارج نمی باشد:

الف) گاه این احتمالات ضدین یا نقیضین هستند که در اینصورت تنها می توان یکی از احتمالات را گزینش کرد.

ب) گاه تمام احتمالات صحیح می باشد و هر احتمال هم ناظر به یک حیث از موضوع می باشد ولی با اینحال نمی توان تمام احتمالات را با یک مبنای منطقی مرتبط و متقوم دید.

ج) گاه تمام احتمالات صحیح می باشد و هر احتمال هم ناظر به یک حیث از موضوع می باشد و می توان آنها را بر یک مبنا، به یکدیگر مرتبط دانست ولی به علت اختلاف در مقوله نمی توان آنها را متقوم به یکدیگر ملاحظه نمود.

د) گاه تمام احتمالات صحیح می باشد و می توان تمام احتمالات را بنا یک مبنای منطقی نسبت به یکدیگر مرتبط و متقوم ملاحظه نمود.

به نظر می رسد که احتمالات مطرح شده پیرامون اوصاف فعل، موضوع و هدف فرهنگی در طی جلسات گذشته را می توان به یکدیگر مرتبط و متقوم ملاحظه نمود.

۲- بیان ذوق احتمال در کیفیت ارتباط اوصاف «فعل، موضوع، هدف» با اوصاف «توسعه، ساختار، کارآئی»

الف) گاه در جمع بین احتمالات و متقوم دیدن آنها می توان بجای اوصاف «فعل، موضوع، هدف» متناظر آنها، اوصاف «توسعه، ساختار، کارآئی» را بیان نمود. لذا می بایست برای هر یک از اوصاف فعل، موضوع، هدف جدولی مستقل ترسیم نمود که این جداول روی هم بیانگر زمینه تحقیق پذیرش اجتماعی خواهند بود. البته باید توجه داشت که برآیند رابطه «چرائی، چیستی، چگونگی» بیانگر بخش مبنائی فرهنگ در جدول موضوعات می باشند. بعبارت دیگر اگر بخواهیم متناظر بگیریم «هستی» در نظام فرهنگ برابر با گرایش و «ریاضی» برابر با بینش و «فیزیک» برابر با دانش می باشد و اینها روی هم مبنای فرهنگ را شکل می دهند و لذا هیچکدام جزو اوصاف فعل، موضوع، هدف نمی باشند. بله می توان هر یک از این موضوعات را (گرایش، بینش، دانش) را در بخش موضوعات فرهنگی مورد تحلیل قرار داد ولی بعنوان اوصاف مطرح نمی باشند.

ب) احتمال دیگر در جمع بین احتمالات و متقوم دیدن آنها اینست که برای هر یک از اوصاف فعل، موضوع و هدف فرهنگی اوصاف «توسعه، ساختار، کارآئی» بیان کرد. در اینصورت با این تفکیک می توان وزن هر یک از احتمالات را نسبت به اوصاف فعل، موضوع و هدف فرهنگی بیان نمود. به عبارت دیگر برای هر یک از «فعل، موضوع، هدف» مدل مجزایی تنظیم کرد که تنوع احتمالات مربوط به اوصاف فعل، موضوع، هدف در این راستا می باشد.

۳- تعیین روند بحث و موضوع بحث فعلی در این روند

آنچنانکه در ابتدای مباحث هم بیان شد ما باید دو کار در موازات هم انجام دهیم. اولین کار اینست که نظام منطقی بین موضوعات فرهنگی را برای پرکردن سمت راست جدول مدل (سمت توسعه) بدست بیاوریم که در این بخش موضوعات بصورت وصف و موصوفی بیان می شوند.

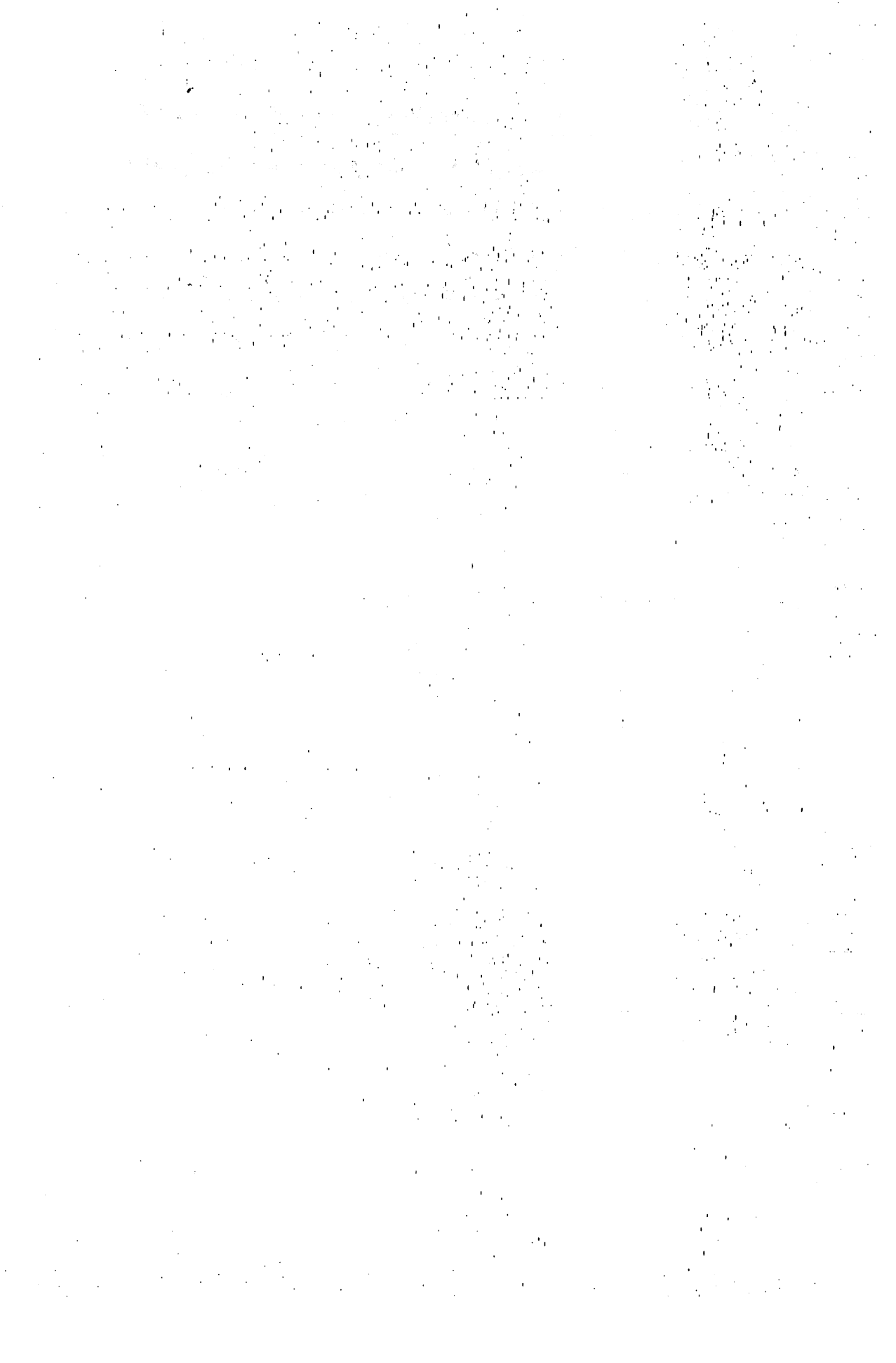
دومین کار اینست که موضوعات و عناوین فرهنگی را از فرمایشات امام (رحمه الله) و مقام معظم رهبری و طرحهای فرهنگی بدست بیاوریم تا بتوانیم توسط آنها سمت چپ جدول مدل را (سمت کارائی) بدست بیاوریم که در این بخش موضوعات بصورت مضاف و مضاف الیه بیان می شوند.

حال با مشخص شدن کلیت کار می توان به دو گونه عمل کرد:

الف) برای تنظیم موضوعات و سیاستهای گذشته نظام تنها به مدل ساده اکتفا نمود که اینکار را می توان در چند ماه آینده به اتمام رسانید.

ب) علاوه بر تنظیم موضوعات و سیاستهای گذشته، موضوعات و سیاستهای آینده نظام را هم بیان کرد که اینکار مستلزم تنظیم مدلی دقیق و فراگیر می باشد که شاید جلسات متمادی زیادی برای تحقق آن نیاز باشد.

« والسلام »



خلاصه گزارش بحث

مدل تنظیم سیاست‌های کلان فرهنگی

جلسه ۱۵

تاریخ جلسه: ۷۷/۰۱/۲۲

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام مصطفی جمالی

بررسی لوازم ملاحظه فرهنگ به عنوان وصف جامعه یا به عنوان

بخشی از فعالیت‌های جامعه در تنظیم مدل فرهنگی

مقدمه

در جلسات پیش بدنبال تنظیم نظام عناوین و موضوعات فرهنگی، ضرورت بررسی اوصاف فعل و هدف فرهنگی علاوه بر اوصاف موضوع اثبات شد و سپس اوصاف فعل در سه سطح «وصفاً، موصوفاً، موضوعاً» بررسی شد.

همچنین در جلسه پیش بیان شد که فرهنگ و پذیرش اجتماعی تنها توسط سنجش صورت نمی‌گیرد (و اگر چه مطلوب همین است) ولی گاه با گرایش و گاه با تصرفات عینی ایجاد می‌شود.

حال در این جلسه ابتدا یک قدم به عقب برگشته و بیان می‌شود که برای تنظیم مدل فرهنگی به دو گونه وصفی و بخشی می‌توان به فرهنگ و رابطه آن با جامعه نظر کرد. پس از بررسی ویژگی‌های هر احتمال با توجه به شرایط فعلی بحث با انتخاب مدل بخشی؛ اوصاف فعل، موضوع و هدف فرهنگی بررسی می‌شود.

۱- طرح سه احتمال در بررسی موضوعات فرهنگی (بخشی، وصفی، تقویم ملاحظه بخشی و وصفی)

در بررسی و تنظیم مدل موضوعات فرهنگی به سه گونه می‌توان عمل کرد:

الف) ملاحظه بخشی فرهنگ:

در این احتمال تنها به موضوعاتی پرداخته می‌شود که تاثیر مستقیم در سنجش اجتماعی و

بالتبع توسعه پذیرش اجتماعی دارند. به عبارت دیگر آنچه‌آنکه بیان شد پذیرش اجتماعی و فرهنگ هم می‌تواند با موضوعات فرهنگی و سنجشی و هم با موضوعات سیاسی و اقتصادی ایجاد شود، ولی از آنجا که وضع مطلوب اینست که این پذیرش غالباً با موضوعات صرفاً فرهنگی ایجاد شود، لذا لازم است که تنها به این جنبه پرداخته شود. علاوه بر اینکه در جامعه نیز تلقی از فرهنگ همین تلقی بخشی است، یعنی موضوعات فرهنگی را بخشی از موضوعات جامعه در کنار موضوعات سیاسی و اقتصادی می‌دانند. البته باید توجه داشت که تقسیم فرهنگ به دینی، علمی و اجرایی نیز ناظر به همین دیدگاه بخشی به فرهنگ است چون در ایجاد پذیرش به تأثیر غلبه سیاسی یا کارآمدی عینی توجه ندارد. اشکال این احتمال اینست که هرچند از لحاظ تئوریک می‌توان موضوعات فرهنگی فرهنگ‌ساز را از موضوعات سیاسی و اقتصادی فرهنگ‌ساز جدا کرد ولی در مقام تحقق، بستر ایجاد پذیرش اجتماعی تنها در سایه موضوعاً فرهنگی محض حاصل نمی‌شود و علاوه بر آن موضوعات به ظاهر سیاسی و اقتصادی هم با تفاوت سهم تأثیر می‌توانند برای ایجاد فرهنگ بسترسازی نمایند.

ب) ملاحظه وصفی فرهنگ:

در این احتمال تمام موضوعاتی که در ایجاد پذیرش اجتماعی و فرهنگ نقش دارند ملاحظه می‌گردند، یعنی پذیرش یک بستر پیدایش دارد که در ایجاد این بستر پیدایش، هم شرایط سیاسی و هم شرائط فرهنگی و اقتصادی نقش دارند، لذا می‌بایست علاوه بر موضوعات فرهنگی به بررسی موضوعات سیاسی و اقتصادی (از زاویه‌ای که در ایجاد پذیرش اجتماعی تأثیر می‌گذارند) پرداخته شود.

به عبارت دیگر در صورت بررسی فرهنگ به عنوان وصفی از جامعه، می‌بایست همه موضوعات جامعه در تحلیل فرهنگ مد نظر قرار گیرند. لذا با این نگاه موضوعات متنوع مطرح در مدل‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی یکی می‌باشند، هرچند منزلت آنها در مدل‌های مختلف متفاوت می‌باشند. به عبارت دیگر وجود سه بعد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی در درون موضوعات دلیل واحد بودن تنوع موضوعات در مدل‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی می‌باشد. لذا می‌توان از موضع فرهنگ بوسیله مدل فرهنگی کل جامعه را کنترل کرد.

ج) ملاحظه تقومی (تقوم بخش و وصف):

بر اساس این احتمال موضوعات فرهنگی در سه سطح ملاحظه می‌شوند:

۱- در سطح اول بصورت انتزاعی ملاحظه می‌شوند، یعنی تنها نقش موضوعات فرهنگی در ایجاد پذیرش اجتماعی ملاحظه می‌شوند. به عبارت دیگر فرهنگ بصورت بخشی بررسی می‌گردد.

۲- در سطح دوم مجموعه شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در ایجاد فرهنگ و پذیرش اجتماعی ملاحظه می‌شوند، یعنی در مقام تحقق فرهنگ، تنها شرایط فرهنگی نقش‌ندارند بلکه با اختلاف در سهم تأثیر شرایط سیاسی و اقتصادی هم نقش دارند که همان احتمال دوم می‌باشد که فرهنگ بصورت وصفی ملاحظه می‌گردد.

۳- در سطح سوم علاوه بر ملاحظه مجموعه شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در ایجاد فرهنگ جهت این مجموعه هم ملاحظه می‌شود.

مثلاً در ملاحظه یک لیوان گاه تنها وزن جداگانه و حجم جداگانه ملاحظه می‌شود و گاه نسبت بین حجم و وزن ملاحظه می‌گردد و گاه نسبت بین حجم و وزن و کارآئی در جهت روی هم ملاحظه می‌گردند. بنابراین بر اساس این احتمال فرهنگ در سه سطح پیدایش، تغییرات، تکامل ملاحظه می‌گردد که در سطح پیدایش، انتزاعی و در سطح تغییرات، مجموعه‌ای و در سطح تکامل، جهت‌دار مد نظر قرار می‌گیرد.

البته آنچنان که روشن است این احتمال، شامل احتمال اول و دوم و جامع هر دو می‌باشد.

بنابراین ما هم در این سیر بحث ابتدا فرهنگ را بصورت بخشی ملاحظه می‌کنیم، یعنی

تنها به بررسی عوامل فرهنگی در ایجاد پذیرش اجتماعی می‌پردازیم.

۲- ضرورت تعریف اجتماعی اوصاف فعل «موصوفاً، و صفاً و موضوعاً» برای بررسی بخشی فرهنگ

حال که قرار است فرهنگ بصورت بخشی مورد بررسی قرار گیرد، می‌بایست تنها پذیرشهایی را تحلیل کنیم که مبتنی بر سنجش اجتماعی شکل گرفته‌اند، یعنی موضوع بحث، پذیرشهای سنجشی می‌باشد.

در بررسی بخشی فرهنگ می‌بایست اوصاف فعل، موضوع و هدف را در فرهنگ - که بعنوان سه بعد توسعه، ساختار، کارآئی در فعل مطرح می‌باشند - بیان کرد و در بررسی اوصاف فعل آنچنانکه گذشت به سه صورت «موضوعاً، موصوفاً و موضوعات فعل» می‌توان این اوصاف را ملاحظه نمود.

برای بالا بردن کیفیت سنجش فردی بهینه سه فعل «گمانه، گزینش، پردازش». ضروری می‌باشد و در بالا بردن سنجش اجتماعی هم باید ابتدا متناظر این افعال بررسی و سپس بهینه شوند. مثلاً می‌توان نظام هنری و نظام مناصب فرهنگی را یکی از عوامل سنجشی مولد فرهنگ دانست. به عبارت دیگر باید بررسی کنیم که چگونه و تحت چه عناوینی اوصاف سنجش اجتماعی و (گمانه، گزینش، پردازش) تحقق و توسعه پیدا می‌کنند.

۳- بیان سه سطح پژوهش در تنظیم مدل فرهنگی

برای تنظیم مدل فرهنگی به سه گونه می‌توان عمل کرد:

الف) برای هر یک از اوصاف «فعل، موضوع، هدف» در فرهنگ جدولی ۲۷ گانه در سه سطح الحادی، التقاطی و الهی ترسیم کنیم. روی هم ۹ جدول و حاصل اوصاف بدست آمده ۲۴۳ وصف خواهد بود که می‌توان با تبدیل این اوصاف به ۷۲۹ شاخصه، قدرت ارزیابی وضعیت فرهنگی کشور را بدست آورد.

ب) تنها به در اختیار داشتن مفردات جداول فوق اکتفا نمائیم بدون ضرب آنها در یکدیگر، یعنی اوصاف فعل، موضوع، هدف و الحادی، التقاطی و الهی در هر یک را مشخص نمائیم.

ج) نازلترین سطح بررسی اینست که همان مدل تقسیم موضوعات به «دینی، علمی، اجرایی» را ملاک کار قرار دهیم و با پیشرفت مباحث، دائماً آن تقسیمات را بهینه کنیم.

«والسلام»

خلاصه گزارش بحث

مدل تنظیم سیاست‌های کلان فرهنگی

جلسه ۱۶

تاریخ جلسه: ۷۷/۰۲/۰۵

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

شیوه ضرب اوصاف در جدول جامعه

و تفاوت جدول عمومی جامعه با هر یک از جداول سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در آن

مقدمه

پس از تصویب طرح پیشنهادی مجمع تشخیص مصلحت توسط مقام معظم رهبری و تأکید معظم له بر تنظیم اولویت‌بندی بین موضوعات طرح مصوب مجمع، بنا شد که تنظیم مدل فرهنگی بر محور مدلمند نمودن عناوین مصوب مقام معظم رهبری انجام پذیرد.

براین اساس مباحث پیرامون تنظیم نظام عناوین و موضوعات فرهنگی هم بدینگونه

دنبال می‌شود که

اولاً: عناوین مطرح شده در طرح مزبور، طبقه‌بندی شده و در طرف چپ جدول (سمت کارائی) قرار گیرد.

ثانیاً: با ضرب اوصاف جدول جامعه و بدست آوردن جدول اوصاف فرهنگی، اوصاف طرف راست جدول (سمت ساختار) بدست بیاید، که با بدست آمدن این اوصاف می‌توان طبقه‌بندی عینی طرف چپ جدول را کامل و ترجمه کرد و در آخر شاخصه‌های عینی موضوعات عینی را بیان داشت.

حال در این جلسه شیوه ضرب اوصاف در جدول جامعه بیان می‌شود و سپس تفاوت

جدول عمومی جامعه با هر یک از جداول سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در جدول جامعه،

مشخص می‌شود.

۱- ربط اجمالی جدول اوصاف جامعه، با فلسفه نظام ولایت

قبل از ضرب اوصاف جدول جامعه برای بدست آوردن جدول عمومی و جدول فرهنگی، ضرورت دارد که اجمالاً ارتباط جدول جامعه با فلسفه نظام ولایت بیان شود. در فلسفه نظام ولایت اثبات شد که حرکت تنها در سایه ولایت، تولی و تصرف امکان پذیر است، لذا مفاهیم محوری برای تنظیم نظام اصطلاحات این سه دانسته شد. برای تنظیم نظام اصطلاحات ابتدا این سه مفهوم در یکدیگر ضرب شد که روی هم ۹ عنوان پدید آمد که سه عنوان، اوصاف توسعه و سه عنوان اوصاف ساختار و سه عنوان اوصاف کارآئی دانسته شد.

اوصاف توسعه: ظرفیت (ولایت ولایت)، جهت (ولایت تولی)، عاملیت (ولایت تصرف) اوصاف ساختار: محوری (تولی ولایت)، تصرفی (تولی تولی)، تبعی (تولی تصرف) اوصاف کارآئی: هماهنگی (تصرف ولایت)، وسیله (تصرف تولی)، زمینه (تصرف تصرف) سپس با ضرب این اوصاف در یکدیگر نظام اصطلاحات شکل گرفت. حال در جدول جامعه هم در کلی ترین سطح آن باید ابتدا اوصاف زمانی یا اوصاف توسعه بیان شود که این اوصاف مبنای تکامل و تحولات اجتماعی و یا مبنای وحدت جامعه می باشند، لذا در جدول جامعه:

متناظر با توسعه «مبنا»، متناظر با ساختار، «موضوع»، و وصف متناظر با کارآئی، «مقیاس» قرار گرفته است.

با مشخص شدن اوصاف توسعه، ساختار، کارآئی در مدل جامعه در مرتبه بعد هر یک از بخشهای مربوط به مبنا، موضوع و مقیاس بیانگر اوصاف درونی توسعه، ساختار، کارآئی می باشند مثلاً در بخش مبنا «گرایش، بینش، دانش» متناظر اوصاف توسعه یعنی «ظرفیت، جهت، عاملیت» می باشند.

در مرتبه بعد با مشخص شدن اوصاف درونی «توسعه، ساختار، کارآئی» می توان برای هر یک از آن اوصاف درونی سه منزلت، «توسعه، ساختار، کارآئی» بیان داشت، لذا در جدول جامعه سطر اول از هر سه سطر در «منزلت توسعه» و بیانگر «فعل موضوعاً» و سطر دوم از هر سه سطر در «منزلت ساختار» و بیانگر «موضوعات فعل» و سطر سوم از هر سه سطر در «منزلت کارآئی» و بیانگر «آثار فعل» می باشند.

۲- شیوه شکل دهی جداول عمومی جامعه

جدول عمومی جامعه (یعنی جدولی که تقید به سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بودن پیدا نکرده است) را می توان در سطوح زیر بدست آورد:

الف) جدول ۲۷ تائی: برای تنظیم این جدول می بایست ۹ وصف اصلی جدول جامعه را (یعنی «همدلی، همفکری، همکاری»، «صیانت، عدالت، اعتماد»، «مقدورات اولیه، مقدورات «شکل پذیر، مقدورات شکل گرفته») را در یکدیگر ضرب کنیم.

برای ترجمه اصطلاحات سه قیدی بدست آمده، ضرورت دارد که ابتدا هر یک از ۹ وصف اصلی جامعه در سه سطح «نامگذاری، بیان مجموعه، بیان جهت» بررسی شوند تا با جایجائی آنان معنای آنها مشخص باشد، مثلاً وقتی قیدی در اول قرار می گیرد به معنای سطح اول (نامگذاری) و وقتی در وسط قرار می گیرد به معنای سطح دوم (مجموعه) و وقتی در آخر قرار می گیرد به معنای سطح سوم (جهت) می باشد. البته ضرورت اینکار بدین خاطر است که در دستگاه منطقی نظام ولایت بر خلاف دستگاه انتزاعی، موضوعات به جای ادات قید، اضافه شدن موضوعات به هم، سعه و ضیق آنها را مشخص می کند. به عبارت دیگر در دستگاه انتزاعی بوسیله ادات و مقیدات، خصوصیات وصفی ماهیت مشخص می شود ولی در دستگاه منطقی نظام ولایت موضوعات به یکدیگر قید می زنند که بالطبع ثمره این تفاوت در آنجائی مشخص می شود که بر اساس شیوه اول موضوعات در عینیت از هم تفکیک نشده اند و تنها در وادی نظر تکثر پیدا کرده اند و لذا نمی توان هیچگونه برنامه ریزی و تخصیصی بر اساس آن موضوعات صورت داد ولی با شیوه دوم اینکار عملی می باشد.

ب) سه جدول ۲۷ تائی: در مرحله بعد می توان به وسیله ۲۷ عنوان مربوط به ۲۷ سطر جدول اوصاف جامعه، سه جدول ۲۷ تائی بدست آورد.

ج) ۹ جدول ۲۷ تائی: در مرحله بعد می توان با ضرب اوصاف درونی هر یک از بخشهای جدول جامعه ۹ جدول ۲۷ وصفی مربوط به هر یک از اوصاف «گرایش، بینش، دانش»، «توسعه، کلان، خرد»، «جهانی، بین المللی، ملی» بدست آورد.

با توجه به شکل دهی این سه سطح از جدول طبیعتاً جدول ۲۷ تائی بر سه جدول و سه جدول بر ۹ جدول حاکمیت پیدا می کند.

۳- شیوه شکل دهی جداول سیاسی، فرهنگی، اقتصادی

آنچنانکه در مباحث قبل بیان شد سیاست، فرهنگ، اقتصاد جزو ابعاد جامعه می باشند و لذا در تمامی موضوعات جامعه این سه بعد حضور دارند و می توان همه موضوعات جامعه را در تجلیل هر یک از این سه مد نظر قراز داد. بنابراین با اضافه کردن پسوند «سیاسی، فرهنگی، اقتصادی» به جداول عمومی جامعه می توان سه جدول «سیاسی، فرهنگی، اقتصادی» بدست آورد.

البته باید به این نکته توجه داشت که با این نگاه موضوعات متنوع در مدل های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی یکی می باشند ولی منزلت آنها متفاوت است. معیار سیاسی، فرهنگی، اقتصادی بودن جداول این خواهد بود که اگر موصوف دوم در اوصاف، توسعه ای باشد جدول سیاسی و اگر ساختاری باشد جدول فرهنگی و اگر کارآیی باشد جدول اقتصادی خواهد بود. البته باید توجه داشت که در جدول اصلی جامعه، قید اول اقتصادی و قید دوم فرهنگی و قید سوم سیاسی می باشد.

در جدول فرهنگی، قید ساختاری بعنوان قید اصلی و قید توسعه ای بعنوان قید فرعی و قید کارآیی بعنوان قید تبعی می باشد. لذا در تنظیم جدول ۲۷ تائی «صیانت، عدالت، اعتماد» بعنوان موصوف دوم قرار می گیرند و در میان این سه وصف هم «عدالت» بعنوان قید اصلی می باشد.

۴- ضرورت تنظیم جدول «گمانه، گزینش، پردازش» از پژوهش نظری تا اجرای عملی

برای تبدیل پژوهش نظری به برنامه عینی سه جدول زیر ضرورت پیدا می کند:

الف) جدول گمانه: در جدول گمانه، سیاستهای کلی و معادله های کیفی موضوعات مشخص می شود. برای انسجام این مهم می بایست دوکار بصورت موازی صورت بگیرد، استخراج موضوعات عینی و بدست آوردن نظام منطقی عناوین (کاری که ما فعلاً مشغول آن هستیم) که با ترکیب این دو می توان سیاستهای کلی و معادله کیفی را بدست آورد.

ب) جدول گزینش: در جدول گزینش سیاستهای اجرایی تعیین می گردند.

ج) جدول پردازش: در نهایت برای اجرای سیاستها و کنترل آنها نیازمند جدول پردازش می باشیم که توسط آن برنامه اجرایی تدوین می شود.

«والسلام»

خلاصه گزارش بحث

مدل تنظیم سیاست‌های کلان فرهنگی

جلسه ۱۷

تاریخ جلسه: ۷۷/۰۲/۰۵

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام پیروزمند

برخی از ۹ وصف اصلی جدول جامعه در سه سطح انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی

مقدمه

از جلسه قبل فصل جدیدی در سیر بررسی مدل تنظیم سیاست‌های فرهنگی آغاز گردید و به منظور مدل‌مند نمودن عناوین مصوب مجمع، تنظیم مدل شامل فرهنگی با استفاده از جدول اوصاف جامعه آغاز گردید. قرار بر این شد که ابتدا جدول اصلی و عمومی جامعه تنظیم گردد و برای معناشدن اصطلاحات سه قیدی هر یک از اوصاف اصلی که در یکدیگر ضرب گردیده‌اند به صورت مجزا در سه سطح انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی معنا گردند.

بر همین اساس جلسه اخیر به تعریف ۶ وصف از ۹ وصف اصلی جدول جامعه در سه سطح فوق اختصاص داشت. این ۶ وصف عبارتند از همدلی، همفکری، همکاری؛ عدالت، اعتماد و مقدرات اولیه. البته تعریف اجمالی از صیانت نیز انجام گرفت و تعریف دو وصف مقدرات شکل‌پذیر و مقدرات شکل گرفته، باقی ماند.

۱- ملاک سه سطح تعریف «انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی»

- در تعریف انتزاعی، هر یک از عناوین نام برای یک موضوع مستقل از سایر موضوعات در نظر گرفته می‌شود.

- در تعریف مجموعه‌ای، هر یک از عناوین ناظر به نظام موضوعات می‌باشد یعنی نسبت آن موضوع با سایر موضوعات در تعریف دخالت می‌یابد.

- در تعریف تکاملی هر یک از عناوین، ناظر به تکامل نظام موضوعات می‌باشد، یعنی دگرگونی در نظام موضوعات بر اساس اصلاح جهت‌گیری، در تعریف دخالت می‌یابد.

۲- تعریف برخی از ۹ وصف اصلی جدول جامعه در سه سطح

۲/۱- تعریف «همدلی» در سه سطح

- تعریف انتزاعی: همدلی دو نفر بر محور خواست واحد مشترک و مستقل از سایر تمایلات و گرایشات.

مثل همدلی مادر و فرزند در مورد بیماری پدر یا همدلی دو شریک در ضرر و نفع اقتصادی بدون اینکه قدرت تحلیل آنرا داشته باشند.

— تعریف مجموعه‌ای: همدلی افراد بر محور نظام حساسیتهای واحد و مشترک.

در اینجا مبدأ همدلی تمایل واحد نیست بلکه نظام تمایلات مشترک است نظامی که در آن تمایلات به یکدیگر نسبت یافته‌اند. البته وحدت در نظام حساسیت به معنای وحدت در ظرفیت حساسیت نیست.

توجه به نظام همدلی در سطح دوم تعریف باعث می‌گردد تا به میزان زیادی امکان تحلیل و علت‌یابی از وجود یا عدم وجود همدلی فراهم گردد و این خصوصیت ویژه تعریف مجموعه‌ای نسبت به تعریف انتزاعی در همه تعاریف است.

— تعریف تکاملی: همدلی افراد بر محور تکامل نظام حساسیتهای

در این سطح اهتمام اصلی تکامل یا اصلاح جهت در نظام حساسیتهای می‌باشد و بر همین اساس موضوعات همدلی و روابط بین آنها دستخوش تغییر می‌گردد.

۲/۲ - تعریف «همفکری» در سه سطح

— تعریف انتزاعی: همفکری در موضوع ساده واحد و مستقل از سایر موضوعات،

اصولاً تحقق همفکری منوط به هم‌سطحی یا هم‌سنگی «سنجش» است. که این امر

مستلزم وحدت موضوع و وحدت روش سنجش است.

موضوع این سطح همفکری می‌تواند دو مفهوم ذهنی، دو حالت یا دو موضوع عینی

باشد مثلاً سنجش دو وزن یا دو رنگ. به هر حال این سطح از همفکری از حد سنجش بین موضوعات ساده مستقل فراتر نمی‌رود.

— تعریف مجموعه‌ای: همفکری بر محور نظام موضوعات با روشی که قدرت ملاحظه نسبت

را دارد. در این سطح، موضوع ساده به نظام موضوعات و روش انتزاعی به روشی که قدرت

ملاحظه نسبت بین مفاهیم را دارد بدل گشته است. به عبارت دیگر در این مرحله از تعریف

موضوع سنجش و روش سنجش با یکدیگر تقویم یافته‌اند.

— تعریف تکاملی: همفکری بر محور تکامل نظام موضوعات و روش ملاحظه نسبت بین

موضوعات.

در این سطح اهتمام اصلی بر اصلاح جهت همفکری قرار گرفته و این امر به نوبه خود

موضوعات و روش سنجش بین موضوعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد بدیهی است که در تمام

مراتب هم‌فکری، وجود تفاوت و اختلاف سطح در موضوع و روش سنجش مانع همفکری

است مثلاً فیلسوفی که به یک موضوع زیربنایی و نظری، نظر دارد با فرد عادی که به موضوع

عینی خارجی (مثل خرید بلیط اتومبیل برای سفر) نظر دارد نمی تواند تفاهم نماید.

۲/۳ - تعریف «همکاری» در سه سطح

- تعریف انتزاعی: همکاری در موضوع ساده واحد و مستقل به صورت گروهی.

گروهی بودن نوع همکاری و واحد بودن موضوع همکاری و معلوم نبودن نسبت همکاری در این موضوع با همکاری در سایر موضوعات، سه خصوصیت همکاری انتزاعی است. مثل همکاری دو نفر برای حرکت دادن یک میز به سمت دیگر اطاق، گروهی است یعنی تنوع و تقسیم کار در آن وجود ندارد. موضوع آن واحد است یعنی از پیچیدگی، گستردگی و تنوع برخوردار نیست و نسبت کارها معلوم نیست یعنی همکاری دونفری که کار الف را انجام می دهند با همکاری دونفری که کار ب را انجام می دهند مشخص نمی باشد.

- تعریف مجموعه‌ای: همکاری بر محور نظام موضوعات به صورت سازمانی.

سازمانی بودن نوع همکاری، متعدد بودن و نظام داشتن موضوعات همکاری و مشخص بودن نسبت همکاری این مجموعه با سایر مجموعه‌ها، سه خصوصیت همکاری مجموعه‌ای است. مثل همکاری یک مجموعه انسانی برای ساختن اتومبیل سواری

- تعریف تکاملی: همکاری بر محور تکامل نظام موضوعات فعالیت و تغییر سازمان.

تکامل‌یاب بودن سازمان و بهینه شدن نظام موضوعات مورد همکاری و اصلاح رابطه این مجموعه با سایر مجموعه‌ها؛ سه خصوصیت همکاری تکاملی است.

۲/۴ - تعریف «صیانت» در سه سطح

- تعریف اجمالی صیانت: در جلسه تعریف صیانت در سه سطح انجام پذیرفت و تنها تعریف اجمالی آن ذکر گردید.

صیانت یعنی مصون بودن فرد یا جامعه از حوادثی که پیرامون آنها رخ می دهد. به عبارت دیگر متلون نشدن و منفعل نگشتن از حوادث و شرایط و در دست داشتن ابتکار عمل.

- تعریف انتزاعی: عدم انفعال فرد در موضوعات ساده و مستقل

- تعریف مجموعه‌ای: عدم انفعال فرد و جامعه از مجموع عوامل و حوادث داخلی و خارجی.

- تعریف تکاملی: در دست داشتن ابتکار عمل فرد و جامعه در ایجاد حوادث اجتماعی. به منظور تکامل اجتماعی.

۲/۵ - تعریف «عدالت» در سه سطح

- تعریف اجمالی: رعایت هرچیز و حق هر فرد.

- تعریف انتزاعی: اجرای عدالت بر محور قانون.

در این سطح تطبیق در اجرای قانون عالی ترین سطح عدالت است.

— تعریف مجموعه‌ای: متقوم شدن تطبیق قانون به روابطی که حق را تعریف می‌کند.
در این مرحله علاوه بر تطبیق و اجرای قانون به نقش نظام حقوقی و روابطی که حق را تعریف می‌کند توجه شده است.

— تعریف تکاملی: تکامل نظام حقوقی هماهنگ با شتاب تکامل اجتماعی.
۲/۶ - تعریف «اعتماد» در سه سطح

— تعریف اجمالی: تکیه کردن و خوش بین بودن.

— تعریف انتزاعی: خوش بین بودن هر فرد به رعایت حق خودش.

در این سطح مردم یکدیگر را خائن به حقوق یکدیگر نمی‌دانند.

— تعریف مجموعه‌ای: اطمینان هرکس نسبت به اینکه کار دیگران مؤید کار اوست.

اعم از اینکه موضوع فعالیت دیگری سیاسی، فرهنگی یا سیاسی باشد. یعنی نه فقط خوش بین است بلکه به شکل روشن و تفصیلی کار دیگری را مؤید و مؤثر در مرغوبیت کار خود می‌داند. مثل اعضاء یک کارخانه که هر کدام یک قطعه از محصول نهایی را درست می‌کنند
— تعریف تکاملی: اطمینان به یکدیگر در تولید تکامل.

در این مرحله افراد در جهت تکاملی به یکدیگر اعتماد دارند یعنی همدیگر را منشأ تکامل هم می‌دانند. برای ایجاد تکامل اجتماعی به یکدیگر تکیه دارند.

۲/۷ - تعریف «مقدورات اولیه» در سه سطح

— تعریف اجمالی: مقدورات اولیه در یک کلمه به «مواد یا منابع خام» تعریف می‌شود اعم از منابع طبیعی و انسانی.

— تعریف انتزاعی: مستقل بودن مواد اولیه.

در این سطح مقدورات اولیه اعم از انسانی و طبیعی شمرده می‌شود بدون اینکه نسبت بین آنها معلوم باشد.

— تعریف مجموعه‌ای: نظام یافتن مقدورات و مشخص شدن میزان اولویت هریک نسبت به دیگری

— تعریف تکاملی: تکامل یاب دیدن مقدورات اولیه با اصل قرارداد نیروی انسانی نسبت به منابع طبیعی. با چنین نگرشی به مقدورات اولیه می‌توان از طریق اصلاح ساختارهای اجتماعی زمینه تربیت نیروی انسانی متناسب را فراهم نمود و به عنوان بهترین انرژی در جهت تحریک جامعه از آن بهره جست.

« والسلام »

خلاصه گزارش بحث

مدل تنظیم سیاستهای کلان فرهنگی

جلسه ۱۸

تاریخ جلسه: ۷۷/۰۲/۰۹

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام مصطفی جمالی

۱- تعریف مقدورات شکل پذیر و شکل گرفته در سه سطح

۲- تنظیم جدول اصلی مدل فرهنگی

مقدمه

در جلسات پیش بدنبال مدلمند نمودن عناوین مصوب مجمع ابتدا با استفاده از جدول جامعه، جدول اصلی و عمومی موضوعات جامعه تنظیم گردید و سپس هریک از ۹ وصف اصلی جدول جامعه به صورت مجزا در سه سطح انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی معنا گردیدند. حال در این جلسه، بدنبال بحث جلسه قبل ابتدا دو وصف باقی مانده (مقدورات شکل پذیر و شکل گرفته) در سه سطح فوق معنا گردیدند و سپس کیفیت شکل دهی جدول اصلی فرهنگی مورد بحث قرار گرفت و قواعد تکثیر و تطبیق تعاریف بر اصطلاحات بیان گردید.

۱- تعریف مقدورات شکل پذیر و شکل گرفته در سه سطح انتزاعی، مجموعه‌ای، تکاملی

۱/۱- تعریف «مقدورات شکل پذیر» در سه سطح

- تعریف اجمالی: مقدورات شکل پذیر نسبت به منابع طبیعی به مواد واسطه‌ای اطلاق می‌شوند که قابل تبدیل به محصولات شکل گرفته می‌باشند و به تعبیر دیگر محصول صنایع مادر و مواد اولیه برای محصولات مصرفی می‌باشند. اما مقدورات شکل پذیر نسبت به منابع انسانی به افراد و انسانهای اطلاق می‌شود که قابلیت تغییر و شکل پذیری را دارا می‌باشند که معمولاً این انسانها در فاصله سنی بین ۶ تا ۲۶ سال قرار دارند.

- تعریف انتزاعی: شکل پذیر دانستن مقدورات اولیه بریده از تخصیصهای اجتماعی. در تعریف انتزاعی مقدورات شکل پذیر، شکل پذیری مقدور جدای از مجموعه ملاحظه می‌شود و تأثیر سایر روابط مجموعه در شکل پذیری آن مقدور ملاحظه نمی‌شود. بر این اساس

شکل پذیری افراد تنها در چهارچوب اراده فردی معنا می شود و یا شکل پذیری منابع طبیعی بدون ملاحظه حاکمیت مصارف عمومی جامعه بر شکل پذیری مواد اولیه تعریف می گردد و حال اینکه با نگاه به صورت نگری عامل شکل پذیری افراد تنها اراده فردی نمی باشد بلکه سهم تاثیر اصلی در شکل پذیری افراد حاکمیت گرایش غالب جامعه می باشد. همچنین در مواد اولیه الگوی مصرف عمومی جامعه سهم تاثیر اصلی را در شکل پذیری مواد اولیه دارا می باشد.

- تعریف مجموعه ای: شکل پذیر دانستن مقدرات اولیه با در نظر داشتن

تخصیصهای اجتماعی.

در تعریف مجموعه ای شکل پذیری مقدرات انسانی و طبیعی با در نظر داشتن

تخصیصهای اجتماعی و الگوی مصرف عمومی جامعه تعریف می شود.

- تعریف تکاملی: شکل پذیر دانستن مقدرات اولیه با در نظر داشتن تکامل اجتماعی.

در تعریف تکاملی علاوه بر ملاحظه مجموعه ای شکل پذیری مقدرات، جهت

شکل پذیری هم ملاحظه می شود و لذا متناسب با هرگونه توسعه و تکامل اجتماعی تعریف

شکل پذیری مقدرات هم تغییر خواهد کرد.

۱/۲- تعریف «مقدرات شکل گرفته» در سه سطح

تعریف اجمالی: مقدرات شکل گرفته نسبت به منابع طبیعی به محصولات فعلی

جامعه و نسبت به منابع انسانی به نیروی کار و متخصص فعلی جامعه اطلاق می شود.

البته باید توجه داشت که مقدرات شکل گرفته هم قابلیت تغییر دارند ولی تغییر در اینها

از طریق تخصیص مصرفی است و نه تخصیص تولیدی و لذا در پذیرش تغییر نسبت به

مقدرات اولیه و شکل پذیر، محدودیت بیشتری دارند.

تعریف انتزاعی: در تعریف انتزاعی میزان تخصیص هر یک از مقدرات شکل گرفته

بدون توجه به تقاضای اجتماعی نسبت به این محصول و سایر محصولات، معین می گردد.

تعریف مجموعه ای: در تعریف مجموعه ای، میزان تخصیص هر یک از مقدرات

شکل گرفته با توجه به تقاضای اجتماعی نسبت به این محصول و سایر محصولات

معین می گردد.

تعریف تکاملی: در تعریف تکاملی، میزان تغییر تخصیص هر یک از مقدرات

شکل گرفته با توجه به توسعه اجتماعی معین می گردد.

۲- کیفیت تنظیم جدول اصلی فرهنگی

پس از مشخص شدن جدول اصلی جامعه و تعریف ۹ وصف اصلی آن در سه سطح، تنظیم جدول اصلی فرهنگی بدینصورت می‌باشد که اوصاف ساختار جدول جامعه به عنوان اوصاف اصلی و اوصاف کارآئی به عنوان اوصاف فرعی و اوصاف توسعه به عنوان اوصاف تبعی در سطر و ستون جدول قرار می‌گیرند که با ضرب آنها ۲۷ عنوان اصلی جدول فرهنگی شکل می‌گیرد.

در تنظیم جدول فرهنگی باید به سه نکته توجه داشت:

الف) این نحوه قرارگیری اوصاف در جدول فرهنگی، تنها نسبت به اوصاف درونی جدول می‌باشد (یعنی تقدم و تأخر سه وصف درونی مبنا، موضوع، مقیاس در جدول جامعه) ولی نسبت به اوصاف اصلی جدول (یعنی خود مبنا، موضوع، مقیاس در جدول جامعه)، اوصاف ساختار جدول جامعه به عنوان اوصاف اصلی و اوصاف توسعه به عنوان اوصاف فرعی و اوصاف کارآئی به عنوان اوصاف تبعی می‌باشند.

ب) در تعریف اجرائی موضوع برخلاف تعریف تثریک آن باید اولویت اجرایی در نحوه قرارگیری اوصاف موضوع دخالت داده شود، لذا پس از قرارگرفتن وصف ساختاری به عنوان قید اصلی (به دلیلی که در بند ج می‌آید) وصف کارآیی قید فرعی و وصف توسعه قید تبعی خواهد بود. مثلاً در سه وصف مربوط به مقدورات از آنجا که تغییر مقدورات اولیه سهل الوصول تر از تغییر مقدورات شکل گرفته می‌باشد، لذا در جدول فرهنگی، ابتدا مقدورات شکل‌پذیر (وصف ساختار) و سپس مقدورات اولیه (وصف کارآئی) و در آخر مقدورات شکل گرفته (وصف توسعه) می‌آیند.

ج) از آنجا که فرهنگ متناظر با ساختار یا مکان می‌باشد لذا برای حفظ موضوع (یعنی فرهنگ) باید اوصاف ساختار بر اوصاف کارآئی مقدم بوده و قید اصلی (سوم) قرارگیرد.

۳- بیان سه قاعده در تکثیر و تطبیق تعاریف بر اصطلاحات

الف) تبدیل سه تعریف از هر قید به ۹ تعریف با یک مرتبه ضرب انتزاعی، مجموعه‌ای، تکاملی در خودش.

برای اینکه بتوانیم تعاریف موضوعات مدل فرهنگی را بر عناوین عینی تطبیق دهیم، ضرورت دارد که در مرحله اول، ابتدا خود تعاریف اولیه مدل را متکثر کنیم که در تکثیر باید به

این نکته توجه داشت که برای زیاد کردن قدرت تطبیق می‌بایست تا می‌توانیم از آوردن تعاریف تکراری اجتناب کنیم.

تکثیر اصطلاحات بدینصورت انجام می‌گیرد که با در دست داشتن سه تعریف از هر قید، این سه تعریف را با یک مرتبه ضرب کردن در خودشان به ۹ تعریف تبدیل می‌کنیم. مثلاً «انتزاعی انتزاعی، انتزاعی مجموعه‌ای، انتزاعی تکاملی»

ب) تکاملی معنای نمودن قید سوم، مجموعه‌ای معنای نمودن قید دوم و انتزاعی معنای نمودن قید اول اصطلاحات، قاعده‌ی عام تطبیق تعاریف بر اصطلاحات است. به عبارت بهتر در هر اصطلاح قید سوم در منزلت تکاملی، قید دوم در منزلت مجموعه‌ای و قید اول در منزلت انتزاعی است.

ج) تطبیق تعریف تکاملی، مجموعه‌ای یا انتزاعی بر قیود اصطلاحات به تناسب ارزش آنها در مجموعه، قاعده‌ی عام تطبیق تعاریف بر اصطلاحات.

برای اینکه از تعاریف تکراری در مجموعه اصطلاحات کاسته شود، ضرورت دارد که به تناسب ارزش هر قید در اصطلاحات جدول، معنای تکاملی یا مجموعه‌ای و یا انتزاعی آن اراده شود مثلاً مقدمات شکل‌پذیر که در ۹ خانه تکرار شده باید به صورت ستونی شماره‌گذاری شود و به ترتیب تعاریف از تکاملی تکاملی یا انتزاعی انتزاعی به جای هر کدام قرارگیرد.

۴- معیار تکثیر تعاریف انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی

آنچنان که در قاعده اول بیان شد، ضرورت دارد که تعاریف اصطلاحی تکثیر شوند که با تکثیر آنها در مرحله اول ۹ تعریف و در مرحله دوم ۲۷ تعریف بدست می‌آید. البته برای بدست آوردن این ۲۷ تعریف می‌بایست هر یک از تعاریف انتزاعی، مجموعه‌ای، تکاملی را در سه سطح تعریف و معیار تفکیک آنها را بیان کنیم.

نسبت به اینکه فارق سه تعریف تکاملی، سه تعریف مجموعه‌ای و سه تعریف انتزاعی چیست در جلسات آینده بیشتر صحبت می‌شود آنچه در بدو امر می‌توان بیان داشت این است که گاه مستقل، مجموعه‌ای یا تکاملی دیدن «شی، انسان و رابطه» و گاه مستقل، مجموعه‌ای یا تکاملی دیدن «عمل، نظر و حالت» می‌تواند به عنوان معیار تفکیک انتخاب گردد.

«والسلام»

خلاصه گزارش بحث

مدل تنظیم سیاست‌های کلان فرهنگی

جلسه ۱۹

تاریخ جلسه: ۷۷/۰۲/۱۰

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام مصطفی جمالی

بررسی قواعد تکثیر تعاریف و بکارگیری آن در اصطلاحات مدل فرهنگی

مقدمه

در جلسات پیش بدنبال تنظیم مدل فرهنگی، ابتدا جدول اصلی مدل جامعه و سپس جدول مدل فرهنگی تنظیم گردید. همچنین برای کم شدن مشابهت در تعاریف اصطلاحات جدول ابتدا ۹ وصف اصلی جدول در سه سطح انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی تعریف و سپس دو معیار برای تکثیر تعاریف انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی بیان گردید. حال در این جلسه بدنبال بحث قبل، ابتدا قواعدی برای بیان چگونگی تکثیر تعاریف، چگونگی بکارگیری تعاریف در معنامودن اصطلاحات سه‌قیدی و چگونگی دسته‌بندی مواد مطرح و سپس احتمالات جدیدی به منظور تعیین موضوعات لازم برای تکثیر تعاریف (از جدول جامعه) مطرح گردید.

۱- قاعده چگونگی تکثیر تعاریف

برای تکثیر تعاریف اوصاف شبیه به هم در جدول فرهنگی می‌بایست دو مرحله تکثیر را

انجام داد:

الف) تقسیم مفهومی (انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی)

آنچنانکه در جلسه قبل بیان شد، ابتدا ۹ وصف اصلی جدول جامعه در سه سطح انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی تعریف می‌شوند و از آنجا که بدین وسیله هر وصف سه سطح مفهومی پیدا می‌کند آن را تقسیم مفهومی می‌نامیم.

ب) تقسیم موضوعی:

قبل از بیان تقسیم موضوعی باید به دو نکته توجه داشت. اولاً:

جدول اصطلاحات مدل فرهنگی، جدول اصطلاحات منطقی صرف نمی باشد، بلکه ناظر به موضوعات خارجی هم می باشد و لذا ضرورت دارد که تکثیر تعاریف به گونه ای صورت بگیرد که هر چه نزدیکتر به موضوعات عینی باشد.

ثانیاً: موضوعاتی که در تقسیم موضوعی تعاریف مدل فرهنگی به کار می آیند از خارج اصطلاحات مدل فرهنگی انتخاب می شوند. برای این منظور بهتر است که موضوعات از جدول جامعه انتخاب گردد زیرا تنها در این صورت است که قدرت هماهنگی جدول مدل فرهنگی بالا می رود.

حال از آنجا که در جدول فرهنگی هر اصطلاح ۹ بار تکرار می شود و در مرحله قبل تنها هر وصف ۳ تعریف پیدا نموده است، لذا در این مرحله هر تعریف در سه موضوع ضرب گردیده و به ۹ تعریف تبدیل می شود.

برای استفاده از جدول جامعه برای انتخاب موضوعات، آشنایی زیر با جدول جامعه لازم است:

از هر سه سطر جدول جامعه سطر اول علت، سطر سوم معلول (اثر) و سطر دوم موضوع و عوامل موثر در تغییر موضوع می باشند. مثلاً: نیازهای تکاملی، نیازهای صنفی و نیازهای فردی، موضوعات مقدمات شکل گرفته می باشند، یعنی برای بهره‌وری «روانی، ذهنی و عینی» جامعه از محصولات و مقدمات شکل گرفته می بایست کیفیت نیاز آن جامعه و بالطبع نظام تامین و تخصیص جامعه را نسبت به آن محصول بررسی کرد. گاه نظام تخصیص و تامین جامعه بگونه ای است که نیاز به آن محصول تنها در سطح نیازهای فردی شکل می گیرد و گاه بافت جامعه بگونه ای می شود که نیاز به آن محصول در سطح نیازهای صنفی و یا تکاملی تعریف می شود.

بنابراین در این مرحله با تکرار سه موضوع در هر یک از اوصاف برای هر وصف و تعریف بدست می آید مثلاً همدلی با سه وصف انتزاعی، مجموعه ای و تکاملی در موضوعات

تکوینی، تاریخی و اجتماعی جداگانه تعریف می‌شود که بالطبع این موضوعات با هر وصفی معنایی خاص می‌دهند.

ثمره اینگونه عمل کردن اینست که از ذکر قیود و اصطلاحات با معانی کلی در جدول فرهنگی پرهیز می‌شود و بالطبع انطباق تعاریف بر اصطلاحات سه‌قیدی براحتی انجام می‌گیرد. البته برای تکثیر تعاریف در این مرحله دو احتمال دیگر مطرح می‌باشد:

۱) امکان تکرار موضوع همدلی (تکوینی، تاریخی، اجتماعی) در همفکری و همکاری و موضوع صیانت (آزادی، آگاهی، ایثار) در عدالت و اعتماد و موضوع مقدرات اولیه (انسانی، ابزاری، منابع طبیعی) در مقدرات شکل‌پذیر و شکل‌گرفته یعنی برای تکثیر تعاریف انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی هر سه وصف از موضوعات تکراری استفاده شود.

۲) امکان استفاده از اوصاف بیانگر «علت، موضوع و یا اثر» در تکثیر تعاریف، بدین معنا که با رعایت ارتکازات برای تکثیر تعاریف هر وصف به تناسب از اوصاف سطر اول، سطر دوم یا سطر سوم از هر سه سطر بهره‌مند شویم.

توضیح اینکه بعضاً ممکن است به نظر بیاید که اگر اوصاف اصلی را در موضوعات سطر دوم ضرب و معنا کنیم با ارتکاز عرف نمی‌سازد، در اینصورت برای ایجاد شیب در مفاهیم می‌توان برای تکثیر تعاریف به جای موضوعات از اوصاف علت یا اوصاف اثر به تناسب فهم عرف استفاده کرد.

۲- قواعد چگونگی بکارگیری تعاریف در اصطلاحات

پس از تکثیر تعاریف اوصاف نوبت به بکارگیری این تعاریف برای ترجمه اصطلاحات جدول مدل فرهنگی می‌رسد.

نسبت به بکارگیری این تعاریف در اصطلاحات جدول باید به سه قاعده توجه داشت:

الف) در هر خانه سه قید به ترتیب آمده است که اول یا دوم یا سوم بدون قید، منزلت قید را مشخص می‌کند و همیشه قید اول منزلت انتزاعی و قید دوم منزلت مجموعه‌ای و قید سوم منزلت تکاملی دارد.

ب) از آنجا که یک قید در ۹ خانه آمده است و از طرفی هم ۹ تعریف برای هر قید از قبل انجام شده است، انطباق این تعاریف بر قیود بستگی به منزلت ارزشی آن قیود دارد و منزلت ارزشی قیود تابع منزلت ارزشی اصطلاحات است. ۱۲۷ اصطلاح مذکور در جدول اصطلاحات مدل فرهنگی از سهم تأثیر ارزشی متفاوتی برخوردارند که تعاریف هر قید بر اساس آن انتخاب می‌گردد. قاعده اختلاف مراتب ارزشی اصطلاحات را در جلسه آینده به عرض می‌رسانیم.

ج) پس از انجام گرفتن تعریف اصطلاحات جدول فرهنگی می‌توان برای سهولت کار و قابل استفاده شدن آنها، نام جدیدی بر هر تعریف مرکب نهاد.

« والسلام »

خلاصه گزارش بحث

مدل تنظیم سیاست‌های کلان فرهنگی

جلسه ۲۰

تاریخ جلسه: ۷۷/۰۲/۱۲

حجة الاسلام والمسلمین حسینی
تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

شیوه تکثیر تعاریف انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی

و تطبیق آن در دو وصف صیانت و عدالت

مقدمه

در جلسات پیش بدنبال ترجمه اصطلاحات مدل فرهنگی ابتدا اوصاف اصلی جدول در سه سطح انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی معنا گردید و سپس قاعده‌ای برای مرحله بعدی تکثیر بدین مضمون بیان گردید که هر سه تعریف مربوط به یک وصف، مقید به موضوعات زیربخش خود در جدول جامعه معنا می‌گردد. حال در این جلسه ابتدا توضیح بیشتر پیرامون این مرحله از تکثیر بیان می‌گردد و سپس نسبت به دو وصف جدول این قاعده تطبیق می‌شود.

۱- شیوه تکثیر تعاریف انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی

در جلسه قبل شیوه پیشنهادی برای تکثیر تعاریف انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی بدینگونه بود که هر تعریف به اوصاف ستون دوم از سطر دوم جدول جامعه قید شود اما در این جلسه پیشنهاد شد که هر تعریف به سه وصف مذکور در سطر اول از هر سه سطر جدول جامعه مقید گردد و از این طریق تعاریف متکثر شوند، مثلاً سه تعریف انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی، از همدلی با مقید شدن به اوصاف «جهتگیری، موضعگیری، مجاهده» تبدیل به ۹ تعریف می‌شود. قبل از تطبیق این قاعده باید به دو نکته در مورد جدول جامعه توجه داشت:

الف) سطر اول از هر سه سطر جدول جامعه بیانگر علت و سطر سوم بیانگر اثر و نتیجه می‌باشد. به عبارت دیگر سه وصف مذکور در سطر اول بیانگر سه نوع تأثیر در پیدایش منتهجه می‌باشند مثلاً در شکل‌گیری و توسعه «انسان، ابزار، طبیعت» «تجزیه، تحلیل، ترکیب» به عنوان سه‌گونه فعل و علت نقش آفرینی می‌کنند.

ب) سه وصف مذکور در سطر اول از هر سه جدول جامعه به ترتیب بیانگر متغییر اصلی، فرعی و تبعی هستند.

۲- بررسی «انتظار، ارتباط، اقتدار» به عنوان علل پیدایش صیانت

علل پیدایش صیانت در یک جامعه توسعه انتظارات اجتماعی، ارتباطات و ساختارهای اجتماعی و اقتدار و قدرت اجتماعی می‌باشد.

- انتظارات اجتماعی همان نیازهای مؤثر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد که الهی یا مادی بودن آن در یک جامعه ارتباط مستقیم با نوع مصونیتی دارد که آن جامعه طالب آن می‌باشد. اگر جامعه‌ای بخواهد الهی باشد و در مقابل کفر صیانت داشته باشد باید انتظاراتش مادی نباشد و محور انتظارات او منافع دینی و مصالح الهی باشد.

البته باید توجه داشت که انتظارات اساس مصونیت می‌باشند ولی علت توسعه مصونیت در یک جامعه انباشتگی انتظارات و به تعبیر دیگر تکامل یافتن انتظارات می‌باشد که این تکامل هم به تبع توسعه کارآمدی اجتماعی حاصل می‌شود، یعنی انتظارات متناسب با منزلت کارآمدی در هر مجموعه‌ای و کل مجموعه متناسب با مراحل تکامل، توسعه پیدا می‌کنند.

- ارتباطات و ساختارهای اجتماعی آنگاه می‌توانند علت مصونیت یک جامعه باشند که مطابق با انتظارات آن جامعه باشند. به عبارت دیگر انتظارات در قسمت ارتباطات ساختار اجرایی پیدا می‌کنند و لذا ضرورت دارد که متناسب با توسعه وحدت و کثرت در انتظارات، وحدت و کثرت در ارتباطات و ساختارهای اجتماعی هم توسعه پیدا کنند. به همین علت یکی از مشکلات فراروی جامعه الهی در این زمان عدم تناسب ساختارهای موجود (ارتباطات) با پیدایش توسعه حساسیتها (انتظارات) می‌باشد.

- اقتدار یک جامعه به معنای مصونیت آن جامعه از آسیب‌های داخلی و خارجی می‌باشد و هنگامی یک جامعه می‌تواند مصون از آسیب باشد که بتواند روابط و منطق اجتماعی خود را به وحدت برساند. به عبارت دیگر اگر محور وحدت در جامعه نباشد روابط اجتماعی و منطق عمل اجتماعی (ساختارها) نمی‌توانند هماهنگی در عمل اجتماعی ایجاد کنند و نتیجه آن تشدد و آسیب‌پذیری جامعه می‌شود. اگر در جهان امروز کفر توانسته است اقتدار مادی خود را حفظ کند تنها به همین دلیل است که توانسته انتظارات و ارتباطات جامعه خود را در سطح جهانی توسعه و به وحدت برساند.

۳- بررسی «ترتیب، تنظیم، تدبیر» به عنوان علل پیدایش عدالت

پیدایش عدالت در یک جامعه رابطه مستقیم با نظام مدیریت اعمال شده در آن جامعه دارد که این نظام مدیریت در سه سطح «ترتیب، تنظیم، تدبیر» قابل ملاحظه می‌باشد. ترتیب تعدد سطوح و تنظیم تنوع موضوعات در هر سطح و تدبیر به ارتباطات سطوح و موضوعات (برنامه‌ریزی سازماندهی) اطلاق می‌شود. به تعبیر دیگر می‌توان محور عمودی در نظام مدیریت را تشبیه به ترتیب و محور افقی را تشبیه به تنظیم و نسبت بین محور افقی و عمودی را تشبیه به تدبیر کرد.

رعایت حد هر چیز و حق هرکس در «ترتیب، تنظیم، تدبیر» علامت وجود عدالت در جامعه است و «ترتیب، تنظیم، تدبیر» آنگاه می‌تواند عادلانه باشد که تناسب با کمال داشته باشد و در اینصورت است که زمینه تحقق انضباط اجتماعی در جامعه فراهم خواهد شد.

« والسلام »

1. The first part of the document is a list of names and addresses.

2. The second part of the document is a list of names and addresses.

3. The third part of the document is a list of names and addresses.

4. The fourth part of the document is a list of names and addresses.

5. The fifth part of the document is a list of names and addresses.

6. The sixth part of the document is a list of names and addresses.

7. The seventh part of the document is a list of names and addresses.

8. The eighth part of the document is a list of names and addresses.

9. The ninth part of the document is a list of names and addresses.

10. The tenth part of the document is a list of names and addresses.

11. The eleventh part of the document is a list of names and addresses.

12. The twelfth part of the document is a list of names and addresses.

13. The thirteenth part of the document is a list of names and addresses.

14. The fourteenth part of the document is a list of names and addresses.

15. The fifteenth part of the document is a list of names and addresses.

16. The sixteenth part of the document is a list of names and addresses.

17. The seventeenth part of the document is a list of names and addresses.

18. The eighteenth part of the document is a list of names and addresses.

19. The nineteenth part of the document is a list of names and addresses.

20. The twentieth part of the document is a list of names and addresses.

21. The twenty-first part of the document is a list of names and addresses.

22. The twenty-second part of the document is a list of names and addresses.

23. The twenty-third part of the document is a list of names and addresses.

24. The twenty-fourth part of the document is a list of names and addresses.

خلاصه گزارش بحث

مدل تنظیم سیاستهای کلان فرهنگی

جلسه ۲۱

تاریخ جلسه: ۷۶/۰۲/۱۵

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

قواعد تعریف اصطلاحات فرهنگی

مقدمه

در جلسات پیش بدنبال تنظیم مدل فرهنگی پیرامون اوصاف اصلی جدول در دو مرحله قواعدی برای تعریف ارائه شد. در مرحله اول اوصاف اصلی در سه سطح انتزاعی، مجموعه‌ای و تکاملی تعریف شدند و در مرحله دوم با توجه به اوصاف سطر اول از سه سطر جدول جامعه، تعاریف مرحله قبل با مقید شدن به آن اوصاف متکثر شدند.

حال با بدست آمدن تعاریف اوصاف، در مرحله بعد توسط این تعاریف، اصطلاحات مدل فرهنگی تعریف می‌شوند. در این جلسه مباحثی پیرامون قواعد تعریف اصطلاحات مدل فرهنگی ارائه شد.

البته در ابتدای جلسه جدول اصطلاحات فرهنگی با قید اول قرار دادن اوصاف توسعه (همفکری، همکاری، همدلی) و قید وسط قراردادن اوصاف کارآئی (مقدورات اولیه، شکل‌پذیر، شکل‌گرفته) اصلاح مجدد گردید و در این اصلاح به این نکته اشاره شد که هر چند ترکیب این اوصاف در بدو امر ناهمگون می‌باشند و تبادر ذهنی ندارند ولی به دلیل جدید بودن دستگاه نظری همواره قاعده باید اساس هماهنگ سازی باشد و نه اینکه بر اساس تبادر ذهنی ترکیبات صورت بگیرد و به همان دلیلی که در اوصاف درونی سه بُعد توسعه، ساختار و کارایی، کارایی قید وسط قرار می‌گرفت در اینجا نیز چنین ترتیبی لازم است.

۱ - ستونی بودن ترتیب توازن اصطلاحات یکی از قواعد لازم برای تعریف اصطلاحات در جلسات پیش دو قاعده برای بکارگیری تعاریف در اصطلاحات جدول بیان شد به اینکه اولاً: در هر اصطلاح سه قیدی، قید اول انتزاعی، قید دوم مجموعه‌ای و قید سوم تکاملی

معنا می‌شود و ثانیاً: هر قید در ۹ خانه تکرار شده است که باید هر خانه یک معنای از قید آورده شود تا هیچ‌گونه مشابهتی در تعاریف حاصل نشود و لذا به تناسب منزلت هر قید در خانه، تعریفی خاص از آن قید با وزنی متناسب با آن منزلت آورده می‌شود.

حال این قاعده را اضافه می‌نمائیم که ترتیب توازن اصطلاحات ستونی می‌باشد و لذا با ارزش‌ترین خانه، اولین خانه گوشه سمت راست جدول اصطلاحات است که هر سه قید آن تکاملی معنا می‌شود و کم ارزش‌ترین خانه، گوشه سمت چپ پائین جدول است که هر سه قید آن انتزاعی معنا می‌شود.

دلیل اینکه توازن اصطلاحات بر حسب ستون اصطلاحات است و نه سطر این است که همیشه اصطلاحات ستون اول در متغیر اصلی و اصطلاحات ستون دوم در متغیرهای فرعی و اصطلاحات ستون سوم در متغیرهای تبعی ضرب گردیده‌اند.

۲- تعریف همفکری مقدماتی شکل پذیر عدالت

پس از تعریف اوصاف و بیان منزلت اصطلاحات جدول، در مرحله بعد نوبت به ترکیب تعاریف و ارائه تعریفی جامع از هر اصطلاح در جدول می‌رسد. اولین اصطلاح جدول «همفکری مقدماتی شکل پذیر عدالت» می‌باشد

- در تعریف این اصطلاح باید به نکات زیر توجه دانست:

الف - به دلیل منزلت اصطلاح در همه قیود باید تعریف تکاملی آنها بیاید.

ب - ابتدا باید تعریف تکاملی هر قید با توجه به مقید شدن آن به اولین وصف از اوصاف

سطر اول جدول جامعه، جداگانه صورت بگیرد.

- تعریف تکاملی «همفکری» مقید به گمانه:

گاه گمانه‌های اجتماعی نسبت به موضوعات ساده می‌باشد که در این صورت وزن این

گمانه‌ها بسیار کم می‌باشد، ولی گاه گمانه‌های اجتماعی بر محور تکامل نظام موضوعات

می‌باشد که اینگونه گمانه‌های اجتماعی بیشترین وزن را در همفکری اجتماعی دارا می‌باشند.

- تعریف تکاملی «مقدماتی شکل پذیر» مقید به مقدماتی.

اگر مواد اولیه با توجه به روابط قدرت تکاملی شکل‌پذیری دانسته باشند در اینصورت

کمترین نوع شکل‌پذیری را دارا می‌شوند.

- تعریف تکاملی «عدالت» مقید به ترتیب.

ترتیب، در عدالت به معنای تعیین سطوح حدود و حقوق و تنظیم در عدالت به معنای تنوع حدود و حقوق در هر سطح و تدبیر در عدالت به معنای تعیین نحوه تخصیص حدود می باشد.

با توجه به این مطلب تعریف تکاملی عدالت مقید به ترتیب، «تکامل ترتیب حدود اجتماعی» می باشد که این تکامل ترتیب حدود (حقوق) به ترتیب قدرت، اطلاع و ثروت روابط اجتماعی وابستگی دارد. به عبارت دیگر ترتیب حدود اجتماعی به معنای جریان عدالت در توزیع اطلاعات، ثروت و قدرت اجتماعی می باشد.

ج) پس از تعریف مفردات قیود اصطلاح مورد بررسی در این مرحله دو قید همفکری و مقدورات شکل پذیر با هم معنی می شوند.

- تعریف تکاملی همفکری مقدورات شکل پذیر:

اگر گمانه های اجتماعی بر محور تکامل نظام موضوعات نسبت به روابط قدرت تکاملی باشد در این صورت همفکری اجتماعی نسبت به مقدورات شکل پذیر در بالاترین منزلت خود قرار می گیرد.

د) در مرحله آخر تعریف قید سوم یعنی عدالت نیز به تعریف قبل اضافه گردد تا تعریف جامع از اصطلاح مورد بررسی صورت می گیرد. البته برای ارائه تعریفی سلیس می توان از ادات ربط از قبیل «در»، «از»، «پیرامون»، «برای» در وصل کردن تعاریف قیود استفاده کرد.

با توجه به تعاریف انجام شده در دو مرحله قبل اصطلاح «همفکری مقدورات شکل پذیر عدالت» به «گمانه زنی در مورد تکامل ترتیب مقدورات اجتماعی» تعریف می شود.

۳- راههای اثبات کارآمدی طرحهای تنظیمی

نکته ای که در خلال مباحث این جلسه مطرح شد، راههای اثبات کارآمدی طرحهایی می باشد که توسط گروههای دفتر تنظیم می شود.

اثبات کارآمدی یک طرح از راههای متفاوت امکان دارد، ولی اثبات کارآمدی یک طرح برای هر مجموعه ای می بایست متناسب با سطوح علمی و جایگاه اجتماعی آن مجموعه صورت بگیرد.

اثبات کارآمدی طرحهای تنظیمی دفتر در سطوح مختلف زیر می تواند انجام پذیرد:
الف) اثبات ارتباط مباحث با مبناء سطح اول از اثبات کارآمدی.
یک سطح از کارآمدی تلائم نظری بین مطالب طرح با مبنائی است که طرح بر اساس آن مینا ارائه شده است.

ب) اثبات گستردگی و شمولیت مباحث سطح دوم اثبات کارآمدی.
گاه در کارآمدی یک طرح اثبات گستردگی و شمولیت آن در نظر افراد مد نظر می باشد، لذا چه بسا طرحی توانسته هماهنگی نظری با مینا را در خودش حفظ کند ولی از گستردگی آنچنانی که مد نظر عرف کارشناسی می باشد برخوردار نمی باشد و از این نظر طرح در نظر عرف کارشناسی کارآمد نیست.

ج) اثبات کارآمدی عینی مباحث سطح سوم اثبات کارآمدی.
گاه در نظر کارشناسان طرح کارآمد، طرحی است که بتواند در عینیت کارآمد باشد و معضلات اجتماعی را در موضوع خودش پاسخگو باشد.

در مجموعه طرحها و مطالب تنظیم شده در مقطع فعلی پژوهش بهتر است برای اثبات کارآمدی، به قدرت شمولیت و گستردگی دامنه مورد بررسی در آنها توجه داده شود.

« والسلام »